

راهنمای آموزش صحیح خوانی نماز

به صورت فشرده و گویا

قابل استفاده به صورت پرده‌نگار

با بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس و ارائه محتوای بصری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ
أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴾

پروردگارا، مرا برپاکنده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما)

پروردگارا، دعای مرا بپذیر (و به درجه اجابت برسان). (ابراهیم: ۴۰)

تقدیم به :

مولود کعبه و اولین شهید محراب

امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

و شهدای محراب انقلاب اسلامی ایران

چاپ این کتاب، با هماهنگی مؤلف، برای تمامی مؤسسات آموزشی آزاد است؛ مشروط
به اینکه قیمت پشت جلد، به قیمت تمام شده باشد. علی حبیبی: ۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹

امیای علم

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا الْعِلْمَ، قَالَ: قُلْتُ وَمَا أَحْيَاؤُهُ؟ قَالَ: أَنْ يُذَاكَرَ بِهِ أَهْلُ الدِّينِ وَأَهْلُ الْوَرَعِ. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱)

ابوالجارود می گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: رحمت خداوند بر بنده‌ای که دانش را زنده کند. عرض کردم: زنده کردن دانش چگونه است؟ فرمودند: اینکه آن (دانش) را با اهل دین و پرهیزگاری به مباحثه (با یکدیگر در میان) بگذارد.

امام عليه السلام زنده کردن دانش را صرفاً در آموختن یا نوشتن کتاب خلاصه نمی کند، بلکه آن را به مذاکره و گفتگوی علمی تعریف می کند. علمی که در سینه‌ها محبوس بماند و مورد بحث، نقد و یادآوری قرار نگیرد، به مرور زمان به فراموشی سپرده می شود؛ اما وقتی اهل علم، گرد هم آیند و دانش خود را با یکدیگر در میان بگذارند، به آن حیات می بخشند، زوایای پنهان آن را آشکار و از خطر نابودی و تحریف حفظ می نمایند. مباحثه، باعث رشد و تولید علم و تثبیت و استواری مطالب در ذهن می گردد. از دل گفتگوهای علمی، پرسش‌های جدید و در نتیجه پاسخ‌های نو متولد می شود و اگر بحث در فضایی همراه با ورع و تقوا باشد، از آفت‌های خود بزرگ بینی و جدال‌های بی حاصل دور می ماند و رنگ و بوی الهی به خود می گیرد.

آداب نشستن در محضر علم و دانش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا جَلَسْتُمْ إِلَى الْمُعَلِّمِ أَوْ فِي مَجَالِسِ الْعِلْمِ فَأَدْنُوا وَلِيَجْلِسَ بَعْضُكُمْ خَلْفَ بَعْضٍ وَلَا تَجْلِسُوا مُتَفَرِّقِينَ كَمَا يَجْلِسُ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ. (مشکات الانوار، ص ۲۰۵)

«هرگاه نزد معلم یا در مجالس علم حضور یافتید، نزدیک به هم بنشینید و برخی از شما پشت سر برخی دیگر قرار گیرید و پراکنده و دور از هم منشینید، چنانکه اهل جاهلیت می نشستند».

این حدیث شریف به یکی از آداب ظاهری و مهم مجالس علم اشاره دارد که نشان دهنده احترام به علم، معلم و نظم و ریادگیری و یاد دادن است.

پشت سر هم و نزدیک نشستن به معلم، نشانه اشتیاق به دانش و ادب و در برابر اوست و بهره گیری از علم و دانش را بیشتر می کند و همچنین باعث می گردد که مجلس علم، سامان یافته تر باشد و همه بتوانند به خوبی از سخنان استفاده کنند و یاد آور می شود که مسلمانان نباید مانند دوران جاهلیت رفتار کنند.

پیشگفتار

نماز، ستون دین و نزدیک‌ترین وسیله ارتباط بنده با خداوند است؛ اما صحت و قبولی آن در گرو ادای درست الفاظ و رعایت اصول شرعی و آواشناختی است. بسیاری از نمازگزاران، به‌رغم نیت پاک و علاقه فراوان، به دلیل عدم آگاهی از قواعد صحیح خوانی، ناخواسته در قرائت حمد و سوره یا اذکار نماز دچار اشکال می‌شوند. این جزوه آموزشی، با هدف رفع این دغدغه و ارتقای سطح کیفی نماز، تدوین شده است. در این مجموعه، مبانی صحیح خوانی نماز (از احکام تجوید و مخارج حروف تا قواعد وقف و ابتدا) به زبانی ساده و درعین حال، دقیق ارائه گردیده است. همچنین با بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس و ارائه محتوای بصری، این امکان فراهم آمده تا اساتید، مبلغان و عموم نمازآموزان بتوانند به صورت گام‌به‌گام و کاربردی، آموزش ببینند. امید است این اثر گامی در جهت تقویت نماز و تعمیق معنویت فردی و اجتماعی باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا مُعَاذُ عَلِمْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ... وَلَيْكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالَّذِينَ... ثُمَّ بُتَّ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ. (بخاری ج ۷ ص ۱۷۰)

وصیت پیامبر اکرم ﷺ به معاذ بن جبل هنگام فرستادن او به سوی یمن: «ای معاذ، قرآن را به آنها بیاموز... و بیشتر همت نماز باشد؛ چراکه نماز، پایه و اساس اسلام پس از اعتراف به روز جزاست... سپس آموزگاران را در میانشان پراکنده کن...».

در روایتی دیگر فرمود: إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَمْسَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۶)

«بلند پایه ترین مردم نزد خداوند در روز رستاخیز کسی است که در زمین خدا، برای نصیحت و خیرخواهی خلقش، بیشتر دوندگی کند».

«نماز»، پایه و اساس اسلام است

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (نساء: ۱۰۳)

«نماز»، یکی از واجبات ضروری دین اسلام است و هر مسلمانی وظیفه دارد در هر شبانه روز، هفده رکعت (در پنج وقت معین) آن را به جا آورد.

دراهمیت نماز همین بس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را پایه و اساس اسلام قرار داده و پذیرش سایر اعمال را به پذیرش نماز مشروط کرده است

(وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲-۲۳، حدیث ۱۰-۱۳)

و در وصیت خود به معاذ (وقتی که برای تبلیغ و تعلیم اسلام به یمن فرستاد) بعد از تعلیم قرآن، به آموزش نماز سفارش فرمودند و سپس به تربیت معلم و فرستادن آنها در میان مردم برای آموزش معارف اسلام. (تحف العقول، ج ۱، ص ۲۵)

لزوم تعلیم و تعلم

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كُنُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (جمعه: ۲)

او (خداوند) کسی است که در میان درس نخوانده‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند و (در پرتو تلاوت این آیات) آنها را (از هرگونه شرک و کفر و انحراف و فساد) پاک و پاکیزه کند و کتاب و حکمت را به آنها بیاموزد، هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

«قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ را به عنوان معلم و مربی بشر معرفی کرده است»

در دنیای امروز، معلم یکی از ارکان مهم آموزش است که در تعلیم و تربیت، نقش مؤثری دارد؛ تردیدی نیست که هرگونه تحول اساسی در فرهنگ جامعه باید نخست از معلمین آغاز شود؛ زیرا بدون دسترسی به معلمین شایسته و وارسته نمی‌توان به توفیق در امر تعلیم و تربیت امید بست؛ از این رو در تعالیم اسلامی، تأکید فراوان بر اصلاح خود مربی و معلم شده است.

در این نوشته، معلمین ارجمند با پاره‌ای از فنون و مهارت‌های آموزش و کلاس‌داری آشنا خواهند شد.

قابل توجه معلمین نماز و ائمه جماعات

فقها و مراجع بزرگوار تقلید: حداقل «صحت قرائت نماز» را انجام واجبات و ترک محرمات قرائت دانسته‌اند، این حداقل، برای عموم مردم است؛ ولی یک معلم یا امام جماعت، اضافه بر انجام واجبات و ترک محرمات، «مستحبات قرائت» را نیز باید رعایت کند و از مکروهات قرائت پرهیزد و قرآن را با لحن عربی نیز بخواند؛ چراکه قرائت نماز آنها، الگو و جنبه آموزشی دارد و در روایات در رابطه با انتخاب امام جماعت آمده است:

«يَوْمُكُمْ أَقْرَأُكُمْ»: کسی امامت کند شما را که قرائتش بهتر باشد و در حدیثی دیگر

«يَوْمُكُمْ أَفْصَحُكُمْ»: کسی که قرائتش فصیح‌تر و گویاتر باشد و در حدیثی دیگر

«يَوْمُكُمْ أَكْثَرُكُمْ نُورًا وَالنُّورُ الْقُرْآنُ»^۱: کسی که از نور بیشتری برخوردار باشد

و (مراد از نور قرآن است؛ یعنی کسی که قرآن بیشتری حفظ باشد و سفارش شده

قرآن را با لحن‌ها و صداهای عربی بخوانید «أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا»^۲.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۵ و بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۱۰، (کتاب الصلاة، باب احکام الجماعة، ح ۸۲)

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴.

معلم و مربی کیست؟

معلم و مربی کسی است که بداند:

۱. چه می آموزد؟ (مشخص بودن محتوای درس)؛
۲. به که می آموزد؟ (شناخت دانش آموزان)؛
۳. چگونه می آموزد؟ (داشتن روش مناسب برای آموزش)؛
۴. برای چه می آموزد؟ (داشتن هدف عالی برای آموزش).

به ترتیب و به صورت فشرده به بررسی آنها می پردازیم.

مشروح آن در کتاب «راهنمای تدریس قرائت قرآن کریم» آمده است

برای تهیه آن به سایت اندیشوران حوزه علمیه قم، علی حبیبی احمدآبادی، مراجعه فرمایید

۱. چه می‌آموزد؟ (مشخص بودن محتوای درس)

یک معلم موفق کسی است که قبل از برگزاری کلاس، بداند چه چیزی را می‌خواهد آموزش دهد؟ و این وقتی امکان پذیر است که هدف او از برگزاری کلاس و زمان آن، مشخص باشد.

هدف: نتیجه نهایی فعالیت‌های مستمر در طول زمان آموزش است.

تا فرد نداند مقصدش کجاست، هرگز نمی‌تواند به گزینش بهترین راه رسیدن به آن بپردازد. فعالیت‌های آموزشی زمانی صحیح و درست انجام خواهد گرفت که هدف‌ها و منظور فعالیت‌ها به روشنی معین شده باشند و پرسش‌هایی که برای سنجش میزان دستیابی به نتایج مهم آموزشی طرح می‌شوند، هنگامی صحیح و معتبر خواهند بود که براساس نتایج معین شده صریح، طراحی شده باشند؛ از این رو نخست باید هدف از آموزش صحیح خوانی نماز مشخص باشد.

هدف از آموزش صحیح خوانی نماز چیست؟

هدف از آموزش صحیح خوانی نماز: آشنایی نمازگزاران با اصول و قواعد صحیح خوانی نماز از نظر احکام شرعی است (که در رساله‌های عملیه مراجع تقلید آمده) به طوری که بتوانند نماز را صحیح و بدون اشتباه بخوانند،

پس تمامی فعالیت‌های آموزشی معلم صحیح خوانی نماز باید در همین چارچوب باشد، طراحی‌های آموزشی که صورت می‌گیرد، ارزیابی‌هایی که انجام می‌دهد، انتظاراتی که در پایان تدریس از نمازآموزان می‌رود، همه و همه باید در همین چهارچوب باشد.

انواع ارزیابی‌ها:

۱. تشخیصی: قبل از شروع کلاس، نسبت به هدف کلی و قبل از تدریس، نسبت به همان درس؛
۲. تکوینی: اندازه‌گیری پیشرفت دانش‌آموزان در طول مراحل مختلف تدریس؛
۳. پایانی: تعیین مقدار آموخته‌های دانش‌آموزان در طول یک دوره آموزشی.

۲. به‌که می‌آموزد؟ (شناخت دانش‌آموزان)

یک معلم پیش از تدریس باید مخاطب خود را بشناسد. آگاهی یافتن معلم از ویژگی‌های جسمی، شناختی و عاطفی و توانایی‌های دانش‌آموزان از مهم‌ترین وظایف وی بشمار می‌رود. اگر یک معلم، شناخت کافی از دانش‌آموزان کسب نکند، به هیچ‌وجه نخواهد توانست شیوه‌های مناسبی را برای اجرای فرایند یاددهی (یادگیری) در کلاس درس انتخاب کند. اگر معلمی، مطالب آموزشی را بدون توجه به توانایی و قابلیت‌های دانش‌آموزان، انتخاب کند و مطالب آموزشی برای آنان مشکل باشد، نه تنها یادگیری مطلوب رُخ نخواهد داد، بلکه دانش‌آموزان نسبت به فعالیت‌های آموزشی دلسرد و دل‌زده خواهند شد و اگر مطالب جدید، پیش‌دانسته‌های آنان را منعکس کند، نه تنها دانش‌آموزان به فعالیت‌های آموزشی، توجه نخواهند داشت، بلکه زمانی را که باید برای پرورش توانایی‌هایی جدید صرف شود به هدر خواهد رفت؛ از این‌رو شناخت دانش‌آموزان لازم است که چه مقدار آشنایی قبلی نسبت به قرائت نماز دارند؟ و این شناخت، تنها با ارزیابی تشخیصی امکان‌پذیر است.

ارزیابی تشخیصی

ارزیابی تشخیصی: به منظور اندازه گیری رفتارهای ورودی و ارزیابی میزان آمادگی دانش آموزان به منظور ورود و شروع به آموزش مطالب جدید به کار می رود.

در رابطه با کلاس آموزش صحیح خوانی نماز، معلم قبل از تدریس، باید شناخت لازم نسبت به تک تک افراد کلاس را داشته باشد. آیا نماز آموزان، نسبت با مطالبی که می خواهیم به آنها آموزش دهیم، آشنایی قبلی دارند؟ میزان آشنایی آنها چقدر است؟ مطالب را در چند جلسه می توان به آنها آموزش داد؟

برای به دست آوردن پاسخ صحیح، نیاز به ارزیابی تشخیصی است.

برای این منظور از تک تک افراد کلاس باید خواست، نمازی را بخوانند تا میزان آشنایی آنها نسبت به صحیح خوانی نماز مشخص شود و در پایان، معلمین محترم می توانند بر اساس آن ارزیابی، افراد کلاس را سطح بندی و به تدریس پردازند.

یادسپاری یک نکته

یکی از ارکان آموزش، متناسب بودن زمان آموزش با محتوای درس و مشخص ساختن تقدم و تأخر مطالب است که براساس ارزیابی تشخیصی از متعلمین (براساس سن، باسواد یا بی سواد بودن و پیش دانسته های آنان نسبت به محتوای آموزش) انجام می پذیرد.

در رابطه با آموزش صحیح خوانی نماز، هرچند داشتن زمان مناسب برای آموزش همه مباحث، لازم است؛ ولی این نباید مانع از استفاده از کمترین زمان برای هدف اصلی باشد؛ از این رو از این فرصت کم، به آموزش مباحثی می پردازیم که اولویت بیشتری داشته و با زمانی که در اختیار داریم، متناسب باشد و یادگیری بقیه مباحث صحیح خوانی نماز را به فرصت های دیگری به معلمین دیگر می سپاریم؛ اما لازم است بقیه اشکال ها را یادآوری و اهمیت یادگیری صحیح خوانی نماز را متذکر می شویم تا شرعاً وظیفه بدانند که به اصلاح قرائت نماز خود بپردازند.

«روش» به گام‌هایی گفته می‌شود که پیمودن آنها، کار را آسان و سریع‌تر می‌کند.
«روش تدریس»: مجموعه فعالیت‌های معلم و دانش‌آموزان، برای رسیدن
زودتر به هدف مطلوب است.

تردیدی نیست که فراگرفتن انواع روش‌های آموزشی و تربیتی و کسب
مهارت‌های لازم در این زمینه، به‌سان ابزار کار یک معلم در امر آموزش
به حساب می‌آید؛ از این رو به معلمین ارجمند لازم است با آخرین فنون
آموزش و کلاس‌داری آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند ضمن کنترل کلاس،
مطالب خود را به آسانی به متعلمین منتقل نمایند.

مشروح این مباحث در کتاب «راهنمای آموزش قرائت قرآن کریم» آمده است.

۴. برای چه می آموزد؟ (هدف عالی برای آموزش)

معلمی کار سخت و طاقت فرسایی است، اگر معلم از انگیزه‌ای قوی و معنوی برخوردار نباشد، تاب تحمل دیرپه‌ی‌ها و بی‌نظمی‌ها و... دانش‌آموزان را نخواهد داشت و هیچ‌گاه از کارش لذت نخواهد برد. معلمی، شغل انبیاست و کار معلم در راستای کار انبیا می‌باشد، با مطالعه شرح حال انبیای الهی در می‌یابیم که آن بزرگواران برای بیان رسالت خود، چه سختی‌ها و زجرهایی که نکشیده‌اند، ما نیز باید روش آنها را در تبلیغ و آموزش معارف و احکام الهی الگوی خود قرار دهیم و برخداوند توکل کنیم تا سختی‌ها و مشکلات مادی و روحی، دلسردمان نسازد و ما را از هدف عالیمان باز ندارد. در اسلام، ارزش دانشمندی که جامعه از دانش او بهره‌مند می‌شود از هفتاد هزار عابد، برتر و بالاتر است. قال الصادق علیه السلام: «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ» و در حدیثی دیگر «کسی که دانش را برای منافع دنیا بخواند، بهره‌ای از آخرت برایش نخواهد بود و کسی که دانش را برای بهره‌های آخرت بخواند، خداوند بهترین بهره‌های دنیا و آخرت را به او خواهد بخشید». (کافی، ج ۱، ص ۳۳ و ۳۴) یک معلم، هدفش از آموزش، تنها بهره دنیوی نباید باشد و خود را از بهره آخری محروم سازد و دریایان، فراموش نکنیم که زکات علم، گسترش و آموزش دادن آن است. قال الصادق علیه السلام: زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ.

لزوم تسلط معلم بر محتوای درس

«یکی از شرایط معلمی، تسلط او بر محتوای درس است»

بر معلمین آموزش صحیح خوانی نماز لازم است که با احکام شرعی (واجبات، مستحبات، مکروهات و محرمات) قرائت نماز، آشنایی کامل داشته باشند و با روشی مناسب و درخور فهم و استعداد نمازآموزان، بتوانند آموزش دهند.

همچنین نماز را (با رعایت واجبات و مستحبات و دوری از مکروهات و محرمات) بتوانند به صورت صحیح بخوانند؛ چرا که بعد از آموزش نظری صحیح خوانی نماز، باید به صورت عملی، تک تک الفاظ و کلمات نماز را نخست به صورت صحیح، تلفظ کنند و به تمرین و تکرار با نمازآموزان بپردازند.

براین اساس، نخست احکام شرعی را مورد بررسی قرار داده و ملاک‌های صحیح خوانی نماز را بر اساس فتوای فقها و مراجع بزرگوار تقلید (به صورت فشرده) مشخص ساخته‌ایم و سپس روش‌های آموزش صحیح خوانی نماز را متذکر شده‌ایم. برای آشنایی بیشتر به کتاب «آموزش قرائت قرآن کریم» مراجعه فرمایید.

وَجُوبِ قِرَاءَتِ قُرْآنٍ در نماز

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ (مُزَمِّل: ۲۰)

یکی از واجبات نماز «قرائت حمد و سوره» در رکعت‌های اول و دوم نماز است. امام رضا علیه السلام «علت وجوب قرائت قرآن کریم در نماز» را این گونه می‌فرماید: «برای این که قرآن، مهجور و ضایع نگردد و باید حفظ و به صورت درس، درس خوانده شود و نابود و فراموش نگردد». (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳)

«قرآن کریم»، قانون اساسی و کتاب زندگی مسلمانان است و بر تمامی مسلمانان واجب است که برای تعلیم و تربیت و آگاهی بر اصول و فروع دین اسلام و همچنین حفظ و رساندن آن به نسل‌های آینده، به مقدار توان به قرائت قرآن بپردازند و بر همین اساس «قرائت قرآن در نماز واجب گردیده است» تا همه مسلمانان به صورت روزانه و مستمر با قرآن در ارتباط و با معارف آن آشنا شوند.

شیوه قرائت قرآن کریم

قرائت قرآن براساس آیه ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ باید به صورت ترتیل باشد. (مَزَل: ۴)
حضرت علی علیه السلام در معنای «ترتیل» می فرماید: **الَّتَرْتِيلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَبَيَانُ الْحُرُوفِ**^۱
برای «حِفْظُ الْوُقُوفِ»، «علم وقف و ابتدا»
و برای «بَيَانُ الْحُرُوفِ»، «علم مخارج حروف» پایه گذاری شد.
برای «صحت قرائت قرآن» اضافه بر حفظ الوقوف و بیان الحروف، صحیح خوانی از حیث حرکات، سکنات و تشدید نیز لازم است و این صحیح خوانی از دو جهت قابل بررسی است:
یکم: «کیفیت ضبط صحیح کلمات» که هنگام نزول قرآن به چه صورت بوده است؟
﴿مَالِكٍ﴾ یا ﴿مَلِكٍ﴾ ؛ ﴿حَتَّى يَطْهَرْنَ﴾ یا ﴿حَتَّى يَطْهَرْنَ﴾ ؛ ﴿لَا مَسْئَمَ﴾ یا ﴿لَمَسْئَمَ﴾
دوم: «تلفظ صحیح کلمات ضبط شده» که باید به همان صورت علامت گذاری شده، قرائت گردد. برای آشنایی بیشتر نخست به بررسی اجمالی آنها می پردازیم.

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵ و بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳ به جای «بیان الحروف»، «اداء الحروف» آمده است.

قرآن واحد از طرف خداوند واحد

براساس صحیحۀ زرارہ از امام باقر علیہ السلام: قرآن یکی است، از طرف خدای یگانه نازل گردیده و لکن اختلاف (در قرائت) از جانب راویان است. (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۰)

«إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ».

پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید: اگر مردم قرآن را آن گونه که نازل شده قرائت می کردند، دو نفر با هم اختلاف نمی کردند: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ مَا اخْتَلَفَ إِثْنَانٍ».

(مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۸)

سالم بن سلّمہ می گوید: شخصی قرآن را بر حضرت صادق علیہ السلام خواند و من شنیدم، قرائتی که بین مردم متداول نبود، حضرت فرمودند: از این قرائت خودداری کن، قرآن را آن گونه بخوان که مردم می خوانند «كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ، إِقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ ...».

(کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۳)

« قرائت قرآن موجود که در جهان رواج دارد، قرائت همه مسلمانان است »

لزوم پیروی از قرائت عامهٔ مسلمین

قرائت موجود که در جهان اسلام رواج دارد، قرائت مورد قبول همهٔ مسلمانان است هم قائلین به قرائت سبعة و هم منکرین آن؛ چرا که همه قبول دارند که قرائت موجود در زمان ائمهٔ اطهار علیهم السلام و صدر اسلام معمول و متداول بوده است و نسبت آن به حفص به خاطر پیروی او از قرائتی است که از حضرت علی علیه السلام نقل گردیده است و کاتبان وحی، بر اساس همین قرائت، قرآن را علامت گذاری می کردند و بیشتر علمای قرائت، قواعد تجوید را بر اساس همین قرائت نوشته اند و حافظین قرآن، نخست بر اساس همین قرائت، قرآن کریم را حفظ می کردند.^۱

و بیشتر فقها و مراجع بزرگوار تقلید فرموده اند که:

«در قرائت نماز، احتیاطاً باید از همین قرائت مشهور پیروی گردد».^۲

^۱. المرعشی (م ۱۱۵۰ ق) الجُهدُ المُقل، ۳۲ و ۱۱۶ - مکی بن ابی طالب (م ۴۳۷ ق) الرعاية فی تجوید القراءة.

^۲. آیات عظام: میلانی، قمی و امام خمینی در حاشیهٔ مسئله ۵۰ و ۵۷ احکام القراءة العروة الوثقی.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در کتاب الطهاره، می فرماید:

«من گمان می کنم، از آنجا که بازار قرائات در آن دوره ها گرم بوده است، هر کسی وارد آن می شد تا کالای خود را عرضه کند؛ در حالی که خداوند و رسولش از این امور مبرا هستند؛ بنابراین آنچه از قرآن کریم متواتر است، همان موجود نزد مسلمانان است که معتبر و حجت است.^۱ اما سایر قرائات، تنها ادعاها و خرافات و ظلمات است که خداوند کتابش را از آنها حفظ کرده است و چه حفظی بالاتر از این که در تمام دنیا حتی در دورترین مناطق کفر هم، همان قرآنی یافت می شود که در قلب امت اسلام است و هیچ تفاوتی میان آنها نیست».^۲

۱. اشاره به آیه شریفه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹)

۲. امام خمینی، کتاب الطهاره، ج ۱، ص ۲۵۰.

ملاک شرعی «صحیح خوانی نماز»

ملاک «صحیح خوانی نماز»: تلفظ صحیح اذکار نماز از حیث اِعراب (حرکات، سکانات و تشدید) و تلفظ حروف از مخارج آنهاست که به صورت متواتر و یکسان نقل گردیده باشد. شهید در رساله الفیه می‌فرماید: «یکی از واجبات صحیح خوانی نماز، رعایت و مواظبت بر اجرای اِعراب و تشدید کلمات بر وجهی است که به صورت متواتر نقل شده باشد.»

«الثانی: مُراعاة اِعرابها وَ تشدیدها عَلَى الْوَجْهِ الْمَنْقُولِ بِالتَّوَاتُرِ.»

و صاحب عروة الوثقی در مسئله ۳۷ احکام القرائه آورده است:

«إِخْلَالٌ فِي حَرَكَةٍ بِنَاءٍ يَافِئُ اِعراب یا تشدید کلمات، باعث بطلان نماز می‌گردد»

همچنین همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید: «تلفظ صحیح حروف از مخارج آنها که به صورت متواتر و یکسان نقل شده باشد و تمیز دادن حروف هم‌مخرج را شرعاً واجب می‌دانند».^۱

۱. شهید اول، رساله الفیه، ص ۳۴۰ و ۲۵۶- نجفی، جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۹۸ و رساله‌های عملیه مراجع بزرگوار تقلید.

لزوم رعایت حرکات (صداها) کوتاه و کشیده

یکی از واجبات قرائت نماز، تمیز دادن بین حرکات (صداها) کوتاه و کشیده در تمامی اذکار نماز است و همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید بر آن اتفاق نظر دارند، برای نمونه: در تکبیر الاحرام ﴿اَللّٰهُ اَكْبَرُ﴾ اگر فتحه همزه ﴿اَللّٰهُ﴾ با مد و کشش، ﴿اَللّٰهُ﴾ خوانده شود؛ یا الف مدی لام ﴿اَللّٰهُ﴾ آورده نشود، ﴿اَلّٰهُ﴾ خوانده شود؛ یا فتحه باء ﴿اَكْبَرُ﴾ با مد و کشش «اَكْبَار» خوانده شود، باعث بطلان نماز خواهد شد.^۱

شهید ثانی رحمۃ اللہ علیہ در شرح الفیه (ص ۲۳۸) می فرماید: «در تلفظ کلمات، قصد گوینده به تنهایی کافی نیست؛ بلکه کلمات نیز بر معنی درست باید دلالت کند».

سؤال: ملاک تشخیص حرکات کوتاه و کشیده چیست؟ درشت خواندن صدای فتحه، شیهه صدای «آ» فارسی، اما بدون مد و کشش، آیا باعث بطلان نماز می گردد؟ (در صفحه بعد)

۱. شهید ثانی، شرح رساله الفیه، ص ۲۳۹ و شرح رساله نفلیه، ص ۱۷۰ و طباطبائی، العروة الوثقی، فصل فی تکبیر الاحرام، مسئله ۲.

هرگاه بعد از حرکات « فتحه، کسره و ضمه » حرف هم جنس آنها « ا، ی، و » قرار گیرد آن حرف، باعث مد و کشیده شدن دو برابر تلفظ همان صدا می شود و به آن « حروف مدی » می گویند؛ مانند: اِذْنَ - اَوْذِنَا.

زمان تلفظ حرکات (صداهاى) کوتاه و کشیده با توجه به کُندی و سرعت (شمرده، تند و معمولی) در قرائت قرآن کریم و نماز متفاوت است؛ ولی زمان تلفظ صداهاى کشیده باید دو برابر زمان تلفظ صداهاى کوتاه باشد.

در روایات آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حروف مدی را با مد و کشش می خواندند: از انس بن مالک در رابطه با قرائت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد، در جواب گفت: «كَانَ مَدًّا» سپس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را قرائت کرد و توضیح داد: مد می داد به «اللَّهُ» و مد می داد به «الرَّحْمَنِ» و مد می داد به «الرَّحِيمِ». (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۴)

لمن عربی حرکات و حروف مدی

رعایت لحن عربی حرکات و حروف مدی، شرعاً واجب نیست؛ ولی جزء مُحَسِّنَاتِ قِرَاءَتِ هِست و در روایات به آن، سفارش شده است.

رسول خدا ﷺ: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ - اقْرَءُوا الْقُرْآنَ بِالْحَاكِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا»؛

«قرآن را به صورتی عربی آن فراگرفته و با لحن عربی بخوانید». (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۹)

یادگیری لحن عربی کسره و ضمه، آسان است؛ زیرا شبیه آن در بعضی از کلمات فارسی وجود دارد (مانند: خیابان - زیان - هُلُو - خُرُوس)، برای کسره کافی است

صدای «ای» را با کشش کمتر بخوانیم «ای با کشش کمتر اِ» و برای ضمه، صدای

«او» را با کشش کمتر بخوانیم «او با کشش کمتر اُ»؛ مانند:

إِبِلٌ - مَالِكٌ - بِسْمٍ - فِي دِينٍ - قُلْ هُوَ - نَعْبُدُ - رُسُلُ - يَدْخُلُ

لمن عربی الف مدی

شهید ثانی رحمة الله علیه در شرح نفلیه، در بیان مُسْتَحَبَّاتِ قرائت (ص ۱۹۲) می‌فرماید:

«از درشت و پرحجم خواندن الف مدی در تمامی حالات باید پرهیز گردد؛ چرا که الف مدی از نظر درشتی و نازکی پیرو حرف قبلی است».

صدای فتحه، پیرو حرف مفتوح است، حروفی که نازک و کم‌حجم تلفظ شوند، صدای فتحه آنها نیز نازک و کم‌حجم است و حروفی که درشت و پرحجم تلفظ شوند صدای فتحه آنها نیز درشت و پرحجم است؛ مانند: **تَ - طَ**

الف مدی: همان صدای فتحه است که با دوبرابر مد و کشش بیشتر خوانده می‌شود؛ از این رو بعد از **بیست حرف** که هنگام تلفظ، صدا به طرف کام پائین کشیده شده و نازک و کم‌حجم ادا می‌گردند، صدای الف مدی نیز نازک و کم‌حجم خواهد بود «**تَ ← تَا**» و بعد از **هشت حرف** (خ - ص - ض - ط - ظ - غ - ق - ر) که هنگام تلفظ، صدا به طرف کام بالا کشیده شده و درشت و پرحجم ادا می‌گردند، صدای الف مدی نیز درشت و پرحجم خواهد بود «**طَ ← طَا**».

پاسخ به یک شبهه

صدای فتحه الف ﴿اللَّهُ أَكْبَرُ﴾ باید به صورت نازک و کم حجم خوانده شود؛ آیا درشت خواندن آن (شبهه صدای «آ» فارسی اما بدون مد و کشش) باعث بطلان نماز می‌گردد؟

شهید ثانی رحمة الله علیه در رابطه با «صحت قرائت در نماز» می‌فرماید: (شرح نفلیه، ص ۱۵۲)

ملاک صحت قرائت، از حیث مخارج و اعراب کلمات است نه فصیح خوانی

با درشت و پرحجم خواندن صدای فتحه، نه حرفی تبدیل به حرف دیگر می‌شود؛ مانند درشت و پرحجم خواندن صدای سین در **نَسَبًا** ← **نَصَبًا** و نه صدای کوتاه تبدیل به صدای کشیده می‌گردد؛ مانند: **اللَّهُ** ← **ءَاللَّهُ** بلکه از فصاحت آن کاسته می‌شود؛ مانند درشت و پرحجم خواندن صدای فتحه حرف لام و میم در ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است که از نظر تجویدی باید به صورت نازک و کم حجم خوانده شوند.

تفاوت زمان تلفظ حرف ساکن و متحرک

یکی از مباحث علم قرائت، رعایت توازن در زمان تلفظ حرف ساکن و متحرک است. زمان تلفظ حرف ساکن و متحرک باتوجه به صفات: شدت، رخوت و توسط متفاوت است. شدّت: حبس جریان صوت در مخرج و تولید حرف به صورت انفجاری است. رخوت: جریان صوت در مخرج و تولید حرف به صورت سایشی است. توسط: جریان جزئی صوت در مخرج و تولید حرف به صورت بینابینی است. زمان تلفظ حرف ساکن، باتوجه به صفت شدت، رخوت و توسط، متفاوت است؛ زمان تلفظ حروف رخاوه (به خاطر جریان صوت در مخرج) بیشتر از حروف بینیه (لَمْ نَرَعْ) است و زمان تلفظ حروف بینیه (به خاطر جریان جزئی صوت در مخرج) بیشتر از حروف شدیده (أَجَدْتُ طَبَقَكَ) است؛ مانند: أَسْتَكَبَرْتُ - أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ. زمان تلفظ حروف متحرک، یکسان و مساوی است و صفات شدت، رخوت و توسط، تغییری در مدت زمان تلفظ آنها ایجاد نمی کند؛ مانند: رَدِفَ - فَبَصَرُكَ - يَعِدُكُمْ.

لزوم رعایت توازن در زمان تلفظ حرکات

در علم قرائت و تجوید «رعایت توازن در زمان تلفظ حرکات» مورد تأکید قرار گرفته شده؛ به ویژه اگر حرف آخر کلمه و ابتدای کلمه بعدی، هر دو متحرک باشد؛ مانند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ - مَالِكِ يَوْمِ﴾ که باید دقت گردد تا صدای حرکت آخر کلمه، حالت انفجاری به خود نگیرند و زمان تلفظ آن، کمتر از زمان تلفظ سایر حرکات باشد و این همان مطلبی است که صاحب عروه رحمة الله علیه در مسئله ۵۵ احکام القرائه می فرماید: «سزاوار است کلمات قرآن به نحوی خوانده نشوند که بین دو کلمه، کلمه ای مُهمل و نامفهوم تولید گردد» مانند: دَلِيلٌ - هَرَبٌ - كَيْوٌ - كَنَعٌ - كَنَسٌ - تَعٌ - بَعٌ

شهید اول رحمة الله علیه برای پرهیز از ایجاد کلمات مهمل، بعد از تأکید بر «آشکار ساختن حرکات بدون زیاده روی»، می فرماید: مستحب است «فتحۀ کاف» در ﴿إِيَّاكَ﴾ و «کسرۀ کاف» در ﴿مَالِكِ﴾ و «ضمۀ دال» در ﴿نَعْبُدُ﴾ با کمی اشباع، به صورت خالص خوانده شود (و از انفجاری خواندن حرکات آخر کلمه پرهیز گردد). (رساله نفلیه، ص ۱۸۹)

توضیح فرامایش صاحب عروه رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

مراد صاحب عروه رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از خواندن دو کلمه به صورت یک کلمه، فاصله انداختن و جدا سازی حرف آخر کلمه قبلی و اتصال آن به کلمه بعدی نیست، به این صورت:

أَلْحَمَّ؛ ذُلِّلَهُ - مَالٍ؛ كَيَوْمٍ - إِيَّا؛ كَنَعْبُدُ...

زیرا در مسئله ۴۵ احکام القرائه، فتوا به بطلان چنین قرائتی داده است: «اگر فاصله و جدایی بین حروف یک کلمه به وجود آید به طوری که از صدق آن کلمه خارج گردد، اختیاراً باشد یا اضطراراً، باعث بطلان نماز می گردد»^۱.

بلکه مراد: عدم توازن در تلفظ حرکات و با شدت و انفجاری تلفظ کردن حرکت حرف آخر کلمه و اتصال آن به کلمه بعدی است به طوری که به گفته صاحب عروه رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از ترکیب دو کلمه، کلمه ای مَهْمَل تولید شود، به این صورت: مَالِ كَيَوْمٍ - إِيَّا كَنَعْبُدُ...

۱. این امر، اختصاص به قرائت قرآن کریم ندارد، در زبان فارسی نیز چنین است؛ برای نمونه:

به عزم توبه، سحر گفتم استخاره کنم، اگر وسط کلمه توبه، مکث و قطع صوتی انجام گیرد، معنای جمله (بیت حافظ) به کلی تغییر می کند: به عزم تو، به سحر گفتم استخاره کنم.

بهترین راه حل مشکل

راه حلی است که شهید اول و به پیروی ایشان شیخ بهایی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِمَا به آن فتوا داده‌اند و آن: «استحباب اشباع و سیرت‌راندن صدای حرکات است به طوری که (به فرموده شهید اول رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ) حرکات به صورت خالص و بدون زیاده روی در اشباع، تلفظ شوند» و به اندازه حروف مدی نرسد که در این صورت، باعث بطلان در قرائت خواهد شد، امری که بعضی نادانسته برای دوری از این حالت انفجاری تلفظ شدن حرکات، مرتکب آن می‌شوند و در تلفظ، حروف مدی تولید می‌کنند، به این صورت:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ - مَالِكِي يَوْمِ الدِّينِ - اِيَّاكَ نَعْبُدُ - ...

که حکم شرعی آن قبلاً گذشت.

إِسْمَاعِ نَفْس: شنیدن صدای حرف

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا صَلَّيْتَ فَاسْمِعْ نَفْسَكَ الْقِرَاءَةَ وَالتَّكْبِيرَ وَالتَّسْبِيحَ.^۱

همه فقها و مراجع تقلید «إِسْمَاعِ نَفْس» را «ملاک صحت قرائت نماز» بیان کرده اند.^۲

إِسْمَاعِ نَفْس: تلفظی است که در حالت معمولی (که مانعی از شنیدن نباشد؛ مانند سنگینی

گوش یا سرو صدا) به گوش قرائت کننده برسد و به صورت آشکار و مفهوم شنیده شود.^۳

مؤلف نه‌ایه قول المفید فی علم التجوید (ص ۳۶) می‌فرماید: «یکی از امور مُحَرَّمه‌ای که بعضی از قراء

مرتکب می‌شوند، سهل‌انگاری در تلفظ آشکار حروف انتهای کلمات هنگام وقف است

به طوری که صدای حرف شنیده نمی‌شود»؛ از این رو بر نمازگزاران لازم است در تلفظ

بعضی از حروف ساکن (به ویژه هنگام وقف) دقت لازم را به خرج دهند تا آن حرف تلفظ شده

و به صورت مفهوم و آشکار شنیده شود که به بررسی بعضی از آنها می‌پردازیم.

۱. بحا الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸ (کتاب الاحتجاج، باب ۷- ما علمه من اربعمائه باب ...، ح ۱).

۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۷۹ و طباطبائی، العروة الوثقی، کتاب الصلاة، فی تکبیر الاحرام، مسئله ۵.

۳. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۰۶- جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۷۹ و شهید ثانی، شرح رساله الفیه، ص ۲۴۱.

تلفظ صحیح هاء ساکن؛ به ویژه در آخر کلمات

«حرف هاء»: به خاطر دور بودن مخرج آن از دهان (انتهای حلق) و داشتن صفات ضعیف، دارای صفت خفا و مخفی بودن است و هنگام سکون در معرض حذف شدن قرار می گیرد؛ از این رو لازم است با کمی فشار دادن به انتهای حلق، آن را تقویت کرد تا از حالت خفا، بیرون آمده و شنیده شود؛ ﴿أَهْدِنَا﴾؛ به ویژه اگر در آخر کلمه باشد ﴿بِحَمْدِهِ﴾ یا بعد از حروف مدی قرار گیرد ﴿اللَّهُ﴾؛ به همین جهت است که در روایات سفارش شده: «آن را فصیح، آشکار و روشن ادا کنید» قال الباقر علیه السلام: «إِذَا أَذَنْتَ فَافْصَحْ بِالْأَلِفِ وَالْهَاءِ».^۱

صاحب عروه رحمة الله علیه، هفتم از مستحبات اذان و اقامه را: «آشکار تلفظ کردن الف (مدی) و هاء در تلفظ جلاله ﴿اللَّهُ﴾ و هر فصلی از اذان و اقامه که در آخرشان الف و هاء است».

ابن الجزری: «محافظة بربیان هاء ساکن (به ویژه در آخر کلمات) را واجب ترمی داند»؛^۲

مانند: أَهْدِنَا - بِحَمْدِهِ - إِلَّا اللَّهُ - لَا شَرِيكَ لَهُ - بَرَكَاتُهُ.

۱- حُزْعَامِي، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۳۹.

۲. ابن الجزری، النشرج، ۱، ص ۲۲۳.

لزوم محافظت بر تکریر «راء ساکن»

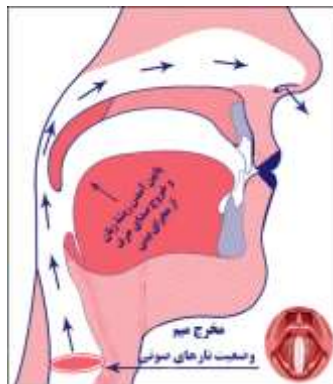
حرف «راء» دارای صفت «تکریر» است و از «لرزش سرزبان» تولید می‌شود. به گفته سیبویه رحمة الله عليه: «اگر این تکریر را نباشد، صدای حرف راء شنیده نمی‌شود و این لرزش سرزبان، هنگام وقف باید آشکارتر باشد؛^۱ مانند راء ساکن در تکبیرة الاحرام ﴿اللَّهُ أَكْبَرُ﴾ که باید صدای حرف راء به صورت آشکار شنیده شود. همچنین تکریر حرف راء مشدد ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ حتماً باید شنیده شود، به گفته ابن الجزری^۲: «بعضی در مخفی کردن تکریر راء مشدد، زیاده روی می‌کنند و این اشتباهی است که جایز نیست، پس واجب است به صورت راء مشدد تلفظ شود». و مؤلف جُهد المُقل (صفحه ۳۱۳) بر تلفظ راء مشدد تأکید بیشتری دارند و می‌فرماید: «وَبَالِغٌ فِي تَشْدِيدِ الرَّاءِ، لِأَنَّ رَاءَ مَشْدَدٍ، تَشْدِيدُ رِاسَاتِهِ مِنْ سَائِرِ حُرُوفٍ».

۱. سیبویه، کتاب، ج ۱، ص ۴۳۵ و استرآبادی، شرح شافیه ابن حاجب، ج ۳، ص ۱۷۹.

۲. ابن الجزری، النشر، ج ۱، ص ۲۱۹.

محافظة بر عُنَّة ميم و نون ساکن

فضای بینی را « خیشوم » و صدایی که از آن خارج می شود را « عُنَّة » می گویند.



هنگام تلفظ ميم و نون، راه عبور هوای بازدم از دهان بسته و صدای حاصل از ارتعاش تارهای صوتی، از مجرای خیشوم و با حالت نیمه سایشی خارج می شود.



عُنَّة جزء جدایی ناپذیر دو حرف نون و ميم است و بدون آن، حرف نون و ميم تحقق پیدا نمی کند، به عبارت دیگر حرف ميم و نون، دارای دو جزء اند: جزء شَفَوِي و لسانی (محل تولید) و جزء خیشومی (محل خروج صدا) که در ذات آنها نهفته است.

« عُنَّة »: بر « دو قسم » است: ذاتی (اصلی) و عارضی (فرعی). (صفحه بعد)

غَنَّهُ ذاتی (اصلی) و عارضی (فرعی)

« غَنَّهُ ذاتی »: صفت ذاتی و جزء جدایی ناپذیر دو حرف میم و نون است و بدون آن، صدای حرف میم و نون شنیده نمی شوند؛ از این رو در تلفظ میم و نون ساکن؛ به ویژه هنگام وقف باید دقت گردد که غَنَّهُ ذاتی میم و نون ساکن، حتماً شنیده شود؛ مانند:

الرَّحِيمُ - الْمُسْتَقِيمُ - الْعَالَمِينَ - نَسْتَعِينُ

ابن الجزری (النشر، ج ۱، ص ۲۲۳) می گوید: از مخفی کردن غَنَّهُ نون در حالت وقف باید پرهیز گردد؛ مانند: عَالَمِينَ - يُؤْمِنُونَ - ظَالِمُونَ؛ و باید کمک شود به بیان و آشکار ساختن آن؛ زیرا بسیاری از کسانی که آن را رها می سازند و در حالت وقف، آن را نمی شنوایند.

« غَنَّهُ عارضی »: هنگام مشدد بودن و اخفای میم و نون، عارض می شود و صدای میم و نون به اندازه دو حرکت در بینی نگه داشته می شود که « شَرْعاً مستحب است »؛ مانند: ﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ﴾ بعضی افراد به جای غَنَّهُ فرعی، صدای کوتاه میم و نون را می کشند ﴿اللَّهُمَّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ﴾ که صحیح نیست.

قَلَقْلَه مَرُوف مُقْلَقَل (قُطْبُ بَد)

«قَلَقْلَه»: جابه جایی مخرج حرف و آشکار ساختن صدای حرف ساکن است. پنج حرف «قُطْبُ بَد» صفت «قَلَقْلَه» دارند که به آنها حروف «مُقْلَقَل» می گویند.



هنگام تلفظ «حروف مُقْلَقَل ساکن»، صدای حرف، کاملاً متوقف و زیر فشار شدید در مخرج حرف، حبس می گردد و تنها راه شنیدن صدای آنها، جابه جایی مخرج است به طوری که صدای آنها آشکار و شنیده شود (به این حالت «قَلَقْلَه» می گویند): مانند:

أَحَدٌ - صَمَدٌ - فَلَقٌ - مُحِيطٌ - فَأَنْصَبُ

بعضی می گویند: حرف ساکن، حرکت ضعیفی (به اندازه یک سوم حرکت) به خود می گیرد، این اشتباه به سبب تمیز ندادن نحوه تلفظ حرف ساکن مُقْلَقَل از حرف متحرک است.

مقایسهٔ حرف ساکن، متمرک و مُقَلَّل

حرف	نحوهٔ تولید حرف	همراه تولید	مثال
ساکن غیرمقلقل	از برخورد دو عضو دستگاه تکلم	چیزی نیست	اَسْ
متحرک	از جدا شدن دو عضو دستگاه تکلم	حركات —————	سَسِ سُسْ
ساکن مُقَلَّل	از جدا شدن دو عضو دستگاه تکلم	چیزی نیست	اَقْ

نتیجه: حرف مُقَلَّل مانند حرف متحرک از جدا شدن دو عضو دستگاه تکلم تولید می‌شود، با این تفاوت که برخلاف حرف متحرک، هیچ حرکتی به همراه ندارد.

به گفته ابن الجزری (النشر، ج ۱، ص ۲۰۳): «بعضی خیال کرده‌اند که قلقله حرکت است، درحالی‌که چنین نیست» و مؤلف نه‌ایة القول المفید فی علم التجوید (صفحه ۳۶)، آن را جزء امور مُحَرَّمه‌ای دانسته است که بعضی از قراء مرتکب می‌شوند.

صفت لین

دو حرف واو و یای ساکن ماقبل مفتوح «—وُ ؛ —یِ»، «صفت لین» دارند و باید به صورت «نرم و شمرده از مخرجشان تلفظ شوند».

در تلفظ این دو حرف، باید دقت کرد که نخست، فتحه قبل از واو و یای ساکن، تمایل به صدای ضمه و کسره (شبه صدای «اِ» و «أ» فارسی) پیدا نکند و واو و یای ساکن به آرامی و شمرده خوانده شوند «یَوْمِ = یُومِ»؛ «خَيْرٌ = خَيْرٌ» خوانده نشوند؛ مانند:

يَوْمَ . كَوْثَرٍ . تَوَاصَوْا . سَوْفَ . تَوْبَةً . وَيْلٌ
غَيْرَ . عَلَيْهِمْ . شَيْطَانٌ . لَيْسَ . أُعْطِيَ نَاكَ . أَرَأَيْتَ

یادسپاری: حذف حرفی در تلفظ، باعث بطلان نماز می گردد؛ ولی تمایل صدای فتحه به صدای کسره و ضمه (شبه صدای «اِ» و «أ» فارسی) تنها نماز را از فصیح خوانی خارج می سازد.

وَجُوبُ تَلْفِظِ صَمِيعٍ «حَرْفِ مُشَدَّدٍ»

همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید می فرمایند: هنگام تلفظ حرف مشدد، حرف ساکن باید خوانده شود؛ زیرا تشدید جانشین حرف ساکن است.^۱

«تشدید»: محکم پیوند دادن بین دو حرف ساکن و متحرک هنگام تلفظ است.^۲ هنگام تلفظ حرف مشدد، بین حرف ساکن و مشدد باید پیوند محکمی برقرار باشد و فَکّ ادغام (فاصله انداختن بین حرف ساکن و مشدد)، یکی از مصادیق اخلال در تشدید است و به فرموده صاحب جواهر رحمة الله علیه باعث بطلان قرائت نماز می گردد و این مسئله مورد اجماع همه فقهاست؛ مانند:

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾، به صورت: بِسْمِلٌ - لِهَرْ - رَحْمَنِرْ - رَحِيمٌ
یا ﴿ يَوْمَ الدِّينِ ﴾، به صورت: يَوْمِ الدَّ - دِينٌ

۱. طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۹، ص ۲۸۷؛ وشهید اول و دوم، رساله نفلیه، ص ۱۹۰.

۲. استرآبادی، شرح شافیه ابن حاجب، مبحث ادغام؛ و حاجی اسماعیلی؛ آئین تلاوت قرآن، ص ۱۰۵.

انواع ادغام‌ها

«ادغام صغیر»: ادغامی است که حرف مُدْغَم، ساکن و مُدْغَمٌ فیه متحرک باشد (اصل در ادغام نیز همین است)؛ مانند:

مَسَّ = مَسَّ - قَدْ دَخَلَ = قَدْ دَخَلَ - قُلْ رَّبِّ = قُرْبٍ

«ادغام کبیر»: ادغامی است که حرف مُدْغَم و مُدْغَمٌ فیه هر دو متحرک باشند^۱ که نخست حرف مُدْغَم، ساکن می‌شود (تا شرایط ادغام به وجود بیاید) سپس عمل ادغام صورت می‌گیرد؛ مانند:

مَدَدَ = مَدَدَ = مَدَّ = قَالَ لَهُمْ = قَالَ لَهُمْ = قَالَ لَهُمْ

در قرائت مشهور (منسوب به حفص از عاصم) ادغام کبیر در دو کلمه جایز نیست، به جز آنچه در کتابت قرآن رعایت شده است، مانند:

ذَابَّةٌ - ضَالِّينَ - تَأْمَنَّا - تَأْمُرُونِي - مَكِّي - أَتُحَاجُّونِي

۱. ابن الجزری، النشر، ج ۱، ص ۲۷۴.

زمان تلفظ حرف مشدد

زمان تلفظ حرف مشدد (مانند حرف ساکن) باتوجه به صفات رخوت (سایشی)، شدت (انفجاری) و توسط (بینایی بودن) حروف متفاوت است؛ ازاین رو هنگام تلفظ حروف مشدد سایشی (به ویژه حرف ضاد مشدد که اضافه بر سایشی بودن، استطاله نیز دارد) باید دقت گردد تا همانند حروف انفجاری تلفظ نشوند؛ چرا که این امر باعث خواهد شد که حرف مُدغم (حرف ساکن ادغام شده) در تلفظ، حذف گردد و همچنین در تلفظ حرف مشدد باید دقت گردد که حتماً دو حرف شنیده شود و به صورت یک حرف متحرک، خوانده نشود؛ مانند:

رَبِّ الْعَالَمِينَ - إِيَّاكَ - إِهْدِنَا الصِّرَاطَ - وَلَا الضَّالِّينَ

به این صورت خوانده نشوند:

رَبِّ الْعَالَمِينَ - إِيَّاكَ - إِهْدِنَا الصِّرَاطَ - وَلَا الضَّالِّينَ

وَجوب تلفظ حروف از مخارج آنها

همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید: «تلفظ حروف از مخارج آنها که به صورت متواتر و یکسان نقل شده باشد همراه با تمایز حروف هم مخرج را شرعاً واجب می دانند».^۱

عرب ها در صدر اسلام، قرآن کریم را به صورت صحیح تلفظ می کردند، با گسترش اسلام و اختلاط با اقوام غیرعرب، از اصالت خود دور شدند و اشتباه در گفتار آنها پدیدار شد، این امر، حضرت علی علیه السلام را برآن داشت تا برای حفظ قرآن، علم نحو را که در رابطه با اعراب کلمات است، پایه گذاری و به ابوالاسود دوئلی آموزش دهد؛ سپس شاگردان ابوالاسود، علم مخارج و صفات ذاتی و ممیزه حروف را پایه گذاری کردند تا تلفظ صحیح قرآن برای همیشه محفوظ بماند و سپس علمای قرائت، علم تجوید را که تلفیقی از علم مخارج حروف و اصول قرائی (احکام الحروف [صفات عارضی]) است را نوشتند.^۲

۱. شهید اول و دوم، رساله الفیه، ص ۳۴۰ و ۲۵۶؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۹۸؛ و رساله های عملیه مراجع بزرگوار تقلید.

۲. صدر، تأسیس الشیعة لعلم الاسلام، ص ۴۰ - ۶۰ - ۱۸۶ - ۳۱۸.

تعریف تجوید

«تجوید»، در لغت به معنای «تحسین و نیکوسازی است» و در اصطلاح قرائت: «تلفظ هر حرفی است از مخرج آن (که به صورت متواتر و یکسان نقل شده باشد) با در نظر گرفتن و رعایت حق حرف از صفات ذاتی و مستحق حرف از صفات عارضی».^۱

صفات ذاتی: صفاتی است که در ذات و طبیعت حروف، نهفته است و باعث تمیزدادن حروف هم مخرج یا قریب المخرج می شود (مانند درشتی و نازکی **صاد** و **سین**)؛ مانند:

نَصَبًا - نَسَبًا ؛ عَصًی - عَسًی

صفات عارضی: صفاتی است که بر اثر ترکیب حروف عارض می گردد و باعث روان و فصیح ادا شدن کلمات و آیات قرآن می شوند؛ مانند درشتی و نازکی **لام جلاله** ﴿اللَّهُ﴾؛

مانند: وَاللَّهُ - لِلَّهِ ؛ يَدُ اللَّهِ - بِسْمِ اللَّهِ

^۱ «إِخْرَاجُ كُلِّ حَرْفٍ مِنْ مَخْرَجِهِ (الْمَنْقُولُ بِالتَّوَاتُرِ) مَعَ إِعْطَائِهِ حَقَّهَا مِنَ الصِّفَاتِ الدَّائِيَّةِ وَمُسْتَحَقَّهَا مِنَ الصِّفَاتِ الْعَارِضِيَّةِ»

مکمل شرعی رعایت قواعد تجوید

شهید اول: ملاک صحت قرائت را «إِخْرَاجُ الْحُرُوفِ مِنْ مَخَارِجِهَا الْمَنْقُولِ بِالتَّوَاتُرِ» فرموده و صاحب حدائق این مسئله را «مورد اتفاق و قبول فقهای شیعه» بیان می‌کند.^۱

و همچنین رعایت صفات ذاتی و مُمَیَّزَه (مانند: ارتعاش و عدم ارتعاش تارهای صوتی در تلفظ زاء و سین ﴿حُزْنٌ - حُسْنٌ﴾) که به فرموده صاحب جواهر در طبیعت حروف نهفته است و باعث تمیزدادن حروف از یکدیگر می‌شوند، بر همه افراد واجب است، اما رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنَه (مانند: بعضی از اقسام ادغام ﴿قُلْ رَّبِّي - قُورْبِي﴾ که هنگام ترکیب حروف، عارض می‌گردد و باعث روان و نیکو داشتن کلمات و آیات می‌گردد)، مُسْتَحَب است.^۲

۱. (بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۸، ص ۱۱۴).

۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۹۸؛ و طباطبائی، العروة الوثقی، احکام القرائه، مسئله ۳۷ و ۵۳.

مکمل شرعی یادگیری قواعد تجوید

« آنچه شرعاً واجب است: تلفظ صحیح حروف به صورت عملی است »
براساس آنچه که علمای ادبیات و قرائت به صورت یکسان نقل کرده اند، اما یادگیری آنها به صورت تئوری که محل تولید هر حرفی کجا و با چه ویژگی هایی است به فرموده صاحب عروه رحمة الله علیه، شرعاً واجب نیست.^۱ اما بر معلمین قرآن و طلاب علوم دینی؛ به ویژه ائمه جماعات که وظیفه آموزش صحیح خوانی قرآن و نماز بر عهده آنهاست، شرعاً واجب هست؛ چرا که به فرموده شهید ثانی رحمة الله علیه «بدون دانستن مخارج حروف، علم به خروج حرف از مخرجش معلوم نمی گردد».

۱. طباطبایی، العروة الوثقی، احکام القرائه، مسئله ۴۱؛ و شهید ثانی، شرح رساله الفیه، ص ۲۴۰ و ۲۵۶.

آیا دانستن مفارج حروف کافی است؟

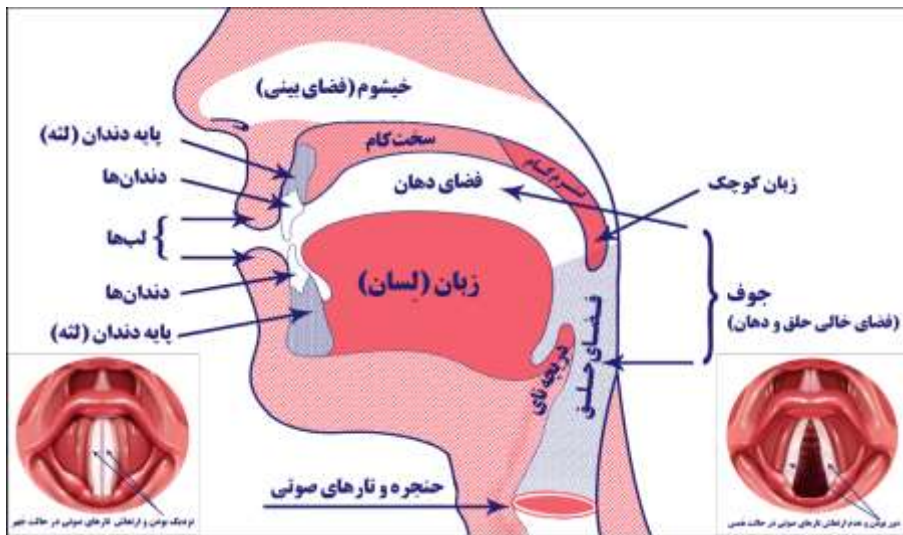
علمای قرائت و تجوید می‌فرمایند: یادگیری مخارج و صفات حروف برای تلفظ صحیح، لازم است؛ ولی کافی نیست، برای اطمینان از صحت قرائت، هم‌زمان تلفظ صحیح را از اساتیدی که قرائت را از اساتید خود شنیده‌اند نیز باید شنید؛ ولی باتوجه به فاصله زمانی از صدرا سلام تا کنون، امکان اشتباه در نقل قرائت، وجود دارد؛ از این رو قرائت استاد را باید با ضوابط کتاب‌های معتبرسنجید اگر موافق با آنها بود صحیح است در غیر این صورت، ملاک ضوابطی است که در کتاب‌های معتبر آمده.^۱

متأسفانه، امروزه بدعت‌هایی به اسم زیباخوانی رواج پیدا کرده که پایه و اساس ندارد (برای اطلاع، به کتاب «نادرستی‌هایی در اذان و قرائت قرآن کریم» مراجعه فرمایید)

۱. (غانم قدّوری الحمد، الدراسات الصوتیه عند علماء التجوید، ص ۶۲؛ و المرعشی، جُهد المقل، ص ۸۵).

اعضای مهم دستگاه تکلم

یادگیری و رعایت تلفظ صحیح حروف، مبتنی بر شناخت مخارج آنهاست؛
از این رو لازم است نخست با اعضای دستگاه تکلم آشنا شویم.



راهکار تشفیص تلفظ صحیح مروف

هنگام تلفظ: صدای حرف باید از محلی تولید گردد که به صورت متواتر نقل گردیده است.



برای نمونه: **حرف زاء** از برخورد بخش مجاور نوک زبان به پشت لثه دندان‌های پایین و **حرف ذال** از تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا تولید می‌گردند همراه با ارتعاش تارهای صوتی و با حالت سایشی و به صورت نازک و کم حجم؛ مانند:

زَلْ ، ذَلْ - زَرَعًا ، ذَرَعًا



اما تلفظ حرف از مخرج، به تنهایی کافی نیست؛ چرا که حروف «زاء، سین و صاد» هم مخرج‌اند؛ بلکه باید همراه با صفات ذاتی و مُمیزه نیز باشند؛ صفات ذاتی: حالت‌هایی‌اند که در ذات و طبیعت حروف نهفته است؛ مانند «جَهر و هَمس» که باعث تمیزدادن «زاء» از «سین» و «استعلا و استفال» که باعث تمیزدادن «صاد» از «سین» می‌گردد.

جَهر و هَمس

جَهر: صدای بلندی است که بر اثر ارتعاش تارهای صوتی به وجود می آید.
هَمس: صدای آهسته‌ای است که بر اثر عدم ارتعاش تارهای صوتی به وجود می آید.



دو حرف **ذال** و **ثاء**: از تماس سر زبان با سردندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها با حالت سایشی و به صورت نازک تولید می‌گردند با این تفاوت که صدای «**ذال**» بر اثر ارتعاش تارهای صوتی بلندتر و آشکارتر از صدای «**ثاء**» است که بدون ارتعاش تارهای صوتی است؛ مانند: **عُذْر** - **عُذْر** همچنین مخارج حروف «**زاء و سین**»، «**دال و تاء**»، «**عین و حاء**» و «**غین و خاء**» یکی است و تنها تفاوت آنها در صفات جَهر و هَمس (ارتعاش و عدم ارتعاش تارهای صوتی) است.

تفاوت جهر و همس با جهریّه و إخفائیّه

مراد از جهر و إخفات در نمازهای یومیّه: معنای لغوی آنهاست، یعنی نمازهایی که با صدای بلند یا آهسته باید خوانده شوند.

ولی مراد از جهر و همس در تجوید: معنای اصطلاحی آنهاست، یعنی صدای بلندی که بر اثر ارتعاش تارهای صوتی تولید می شود، در مقابل صدای آهسته ای که بر اثر عدم ارتعاش تارهای صوتی تولید می گردد.

برای نمونه: تنها راه تمیز دادن دو حرف زاء و سین که در مخرج و تمامی صفات مشترک اند، آشکار و بلند تر بودن صدای حرف زاء (بر اثر ارتعاش تارهای صوتی) نسبت به صدای حرف سین است و فرقی نمی کند که با صدای بلند خوانده شوند یا با صدای آهسته؛ مانند:

﴿ حُزْنٌ - حُسْنٌ ﴾ - ﴿ حَزْنًا - حَسَنًا ﴾

ده حرف « فَحَثُّهُ شَخْصٌ سَكَّتْ » صفت «همس»

و «هیجده حرف باقی مانده» صفت «جهر» دارند.

استعلاء و استفال

استعلاء: بالا آمدن انتها و ریشه زبان به طرف کام بالاست و استفال: پایین آمدن



انتها و ریشه زبان به طرف کام پایین هنگام تلفظ حرف است.

هفت حرف: «خ - ص - ض - ط - ظ - غ - ق» صفت «استعلا» دارند.

هنگام تلفظ **صاد** و **سین**: بخش جلوی سطح زبان به سطح

صاف پشت لثه دندان‌های ثنایای بالا نزدیک شده و بدون

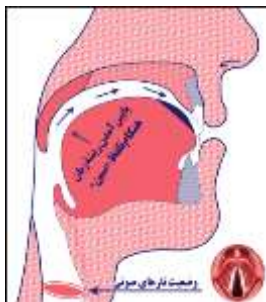
ارتعاش تارهای صوتی، با حالت سایشی تولید می‌شوند.

با این تفاوت: صدای **صاد** بر اثر استعلاء، به طرف کام بالا

کشیده شده و درشت و پرحجم ادا می‌گردد؛ مانند:

﴿نَسَبًا - نَصَبًا﴾ - ﴿عَسَى - عَضَى﴾

وَالْعَصْرِ - صَمَدٌ - الصَّلَاةُ - الصَّالِحَاتِ - صَلِّ - تَوَاصَوْا



تفاوت دو حرف تاء و طاء

دو حرف «طاء» و «تاء» از اتصال بخش جلویی سطح زبان با ابتدای برآمدگی کام بالا و لثه دندان‌های ثنایا و جدا شدن از آن، به صورت انفجاری تولید می‌شوند.

با این تفاوت: هنگام تلفظ «طاء»، «انتها و ریشه زبان نیز بالا آمده (استعلا) و صدای حرف با ارتعاش تارهای صوتی به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پر حجم تولید می‌گردد؛ مانند:

﴿تین - طین﴾ - ﴿تاب - طاب﴾

مَطْلَع - صِرَاط - يُطْعَمُونَ الطَّغَامَ - عَطَاءٌ - أَطِيعُوا



تفاوت دو حرف ذال و ظاء



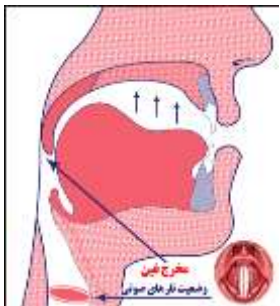
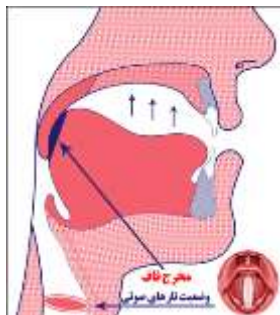
دو حرف «ذال» و «ظاء» از تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها همراه با ارتعاش تارهای صوتی و با حالت سایشی، تولید می‌گردند.

با این تفاوت: هنگام تلفظ «ظاء»، «انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده (استعلا) و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد»؛ مانند:

﴿مَحْذُورًا - مَحْظُورًا﴾ - ﴿ذَلَّ - ظَلَّ﴾
 أَذْهَبَ - ذَهَبَ - ذَاكِرِينَ - يُعَذِّبُ - مُنْذِرِينَ - أَلْدِينَ
 أَظْلَمَ - ظَلَمَ - ظَالِمِينَ - يُعْظِمُ - مُنْظِرِينَ - عَظِيمٍ

شَدَّت و رِفُوت

شَدَّت: حبس جریان صوت در مخرج و تولید حرف به صورت انفجاری است و رخوت:



جریان صوت در مخرج و تولید حرف به صورت سایشی است.

هشت حرف «أَجَدْتُ طَبَقْتُكَ» صفت «شَدَّت» دارند.

دو حرف «قاف» و «غین» از حروف استعلا و با ارتعاش

تارهای صوتی به صورت درشت و پرحجم ادا می‌شوند.

با این تفاوت: هنگام تلفظ «قاف»، ریشهٔ زبان بالا رفته و با زبان

کوچک متصل و با جداشدن از یکدیگر با حالت انفجاری تولید

می‌گردد و هنگام تلفظ «غین» ریشهٔ زبان بالا رفته و به زبان

کوچک نزدیک و با حالت سایشی صدای حرف به دیواره‌های

حلق کشیده می‌شود؛ مانند: «أَقْنِي - أَعْنِي» - «قَلَّ - غَلَّ»

أَسْتَغْفِرُ - إِغْفِرْ - لَا يُغْنِي - أَعْنِي - فَاعْفِرْ - لَا تُزِغْ - غَاسِقٍ

تَوَسُّط

تَوَسُّط: حالتی بین شدت و رخوت است، هنگام تلفظ حرف، بر اثر عدم اتصال کامل اندام‌های صوتی، صدای حرف نه کاملاً حبس می‌شود و نه به راحتی جریان دارد، بلکه حالت «بینابینی» دارد؛ از این رو به این حروف «حروف بینابینی» نیز می‌گویند.

پنج حرف «لِنَعْمُر» صفت «توسط» (و پانزده حرف باقی مانده، صفت «رخوت» دارند). تفاوت دو حرف «همزه» با «عین» در مخرج و صفت «شدت» و «توسط» است. مخرج «همزه» انتهای حلق و در محل حنجره است و صدای حرف با حالت انفجاری

«شدت» تولید می‌گردد، ولی مخرج «عین» وسط حلق است، هنگام تلفظ دریچه نای به آرامی عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می‌سازد و صدای حرف با حالت نیمه سایشی «توسط» کمی به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود؛ مانند:

﴿مَأْمُور - مَعْمُور﴾ - ﴿أَمَل - عَمَل﴾

نَعْبُدُ. أَعْلَى - عَالَمِينَ. نَسْتَعِينُ. اقْعُدْ. عَلَيْهِمْ



تلفظ ضاد صحیح نزد فقهای شیعه

شهید اول رحمۃ اللہ علیہ (درآلفیہ، ص ۲۵۵) در بیان واجبات قرائت (الرابع عشر) می فرماید:

تلفظ هر حرف از مخرج آن است که به صورت متواتر و یکسان نقل شده باشد، اگر «ضاد» از مخرج «ظاء» یا به صورت «لام درشت» تلفظ شود، نماز باطل است.

و شهید ثانی (در شرح رساله الفیه، ص ۲۵۶) و صاحب مفتاح الکرامه (در قواعد التجوید، ص ۵۱) و صاحب جواهر رحمۃ اللہ علیہ (در جواهر، ج ۹، ص ۳۹۹)، ضاد صحیح را ضاد حجازی می دانند که از بین کناره زبان و دندان های آسیا تلفظ می شود و تلفظ ضاد مصری که شبیه دال درشت است را صحیح نمی دانند و باعث بطلان نماز می شود و برای صحت گفتار خود، چند دلیل آورده اند از جمله: «ضاد» اصعب الحروف است در حالی که «دال درشت» سختی ندارد.

تلفظ ضاد صمیم نزد علمای تجوید

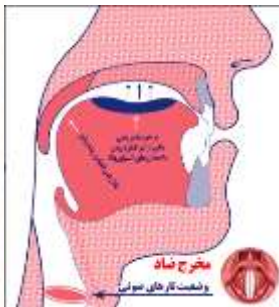
علم مخارج حروف، مانند علم نحو، استقرائی و برگرفته شده از تلفظ عرب صدر اسلام (قبل از اختلاط با اقوام غیرعرب) است و همه تصریح کرده‌اند:

الضَّادُّ مِنْ بَيْنِ أَوَّلِ حَافَةِ اللِّسَانِ وَمَا يَلِيهِ مِنَ الْأَضْرَاسِ

حرف «ضاد» از بین اولین کناره زبان و دندان‌های آسیای مجاور آن تولید می‌شود و حرف ضاد را، أَصْعَبُ الحروف، دشوارترین حرف و تلفظ آن مشکل می‌دانند و تلفظ آن به صورت دال درشت صحیح نمی‌دانند و آن را تلفظ افرادی می‌دانند که اصالتاً عرب زبان نمی‌باشند. (و حرف ضاد در زبان‌شان وجود نداشته، مانند مصری‌ها که بر اثر غلبه قوم عرب بر آنها، عرب زبان شدند).

۱. مکی بن ابی طالب (م ۴۳۷ ق)، الرعاية في تجويد القراءة؛ ۲. ابو عمرو دانی (م ۴۴۴ ق)، التحديد في الاتقان والتجويد؛
۳. عبد الوهاب القرطبي (م ۴۶۱ ق)، الموضح في التجويد؛ ۴. ابن الجزری (م ۸۳۳ ق)، النشر في القراءات العشر؛
۵. محمود خلیل الحصری (م ۱۴۰۱ ق) احکام قراءۃ القرآن الکریم؛ ۶. ابن غانم مقدسی، (م ۱۰۰۴ ق)، فقیه حنفی و متخصص علم قراءات در کتاب «بُغیة المرتاد لتصحیح الضاد» دوازده دلیل بر بطلان «دال مفخم» آورده است.

تلفظ ضاد مجازی



هنگام تلفظ ضاد حجازی: ریشه زبان بالا رفته و با برخورد تدریجی یکی از دو کناره زبان با دندان‌های آسیای بالای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها همراه با ارتعاش تارهای صوتی به طرف کام بالا به صورت درشت و پرحجم ادا می‌گردد؛

مانند: فَضْلًا - رِضْوَانًا - رِضَى - رَاضِيَةً - بَعْضَكُمْ

رَضِيْتُ - مَرْضِيَّةً - رَضُوا - وَضَعْنَا - مَعْضُوبٍ

حرف ضاد دارای صفت رخوت و استطاله است. یعنی اضافه

برسایشی بودن، صدای حرف باید درمخرج آن جریان بیشتری داشته باشد؛ از این رو در تلفظ ضاد مشدد صدای حرف نباید قطع

گردد؛ مانند: وَلَا الضَّالِّينَ - الضَّعِيفُ - يَحْضُ - فَضْلٌ

لزوم تمایز بین « ضاد » و « ظاء »

اگر « ضاد » به صورت « ظاء » یا « برعکس » تلفظ گردد، « نماز باطل » است.

(طباطبائی، العروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی القراءة، مسئله ۳۲ و ۳۷).

براین اساس، باید دقت کرد تا هر حرفی از مخرج خود ادا و از یکدیگر تمیز داده شوند.

« حرف ظاء » از برخورد سر زبان با سردندان‌های ثنایای بالای و « حرف ضاد » از برخورد یکی از دو کناره زبان با دندان‌های آسیای همان طرف و کشیده شدن صدا از میان آنها تولید می‌گردد؛ مانند:

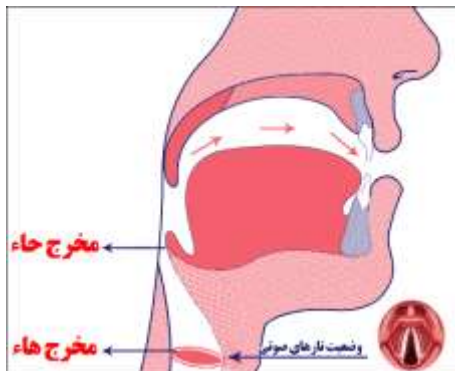
نَضْرَةً ، نَظْرَةً - ضَلَّ ، ظَلَّ

أَنْقَضَ ظَهْرَكَ - مُغَاضِبًا فِظْنَ - فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ
بَعْضَ الظَّالِمِينَ - يَعْضُ الظَّالِمُ - ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ



تفاوت حرف « هاء » از « هاء »

حرف « هاء »، در فارسی، مانند حرف « هاء » از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از « وسط حلق و با حالت گرفتگی » ادا می‌گردد.



هنگام تلفظ « هاء »، « درپچه نای کمی به عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می‌سازد و بدون ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به صورت نازک و کم حجم با حالت گرفتگی به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود »؛ مانند: « أَهْوَى، أَخْوَى » - « أَهْلٌ، أَجَلٌ »

الرَّحْمَنِ - رَحْمَةً - فَسَبِّحْ - فَلَاحْ - اَلْحَمْدُ - سُبْحَانَ
خَسَنَةً - مُحَمَّداً - اَلرَّحِيمِ - اَحَدٌ - نُسَبِّحُ - بِحَمْدِكَ

تفاوت واو عربی با فارسی

حرف « واو »، در زبان فارسی از تماس دندان های بالا با لب پایین تلفظ می شود،



اما در عربی بدون دخالت دندان ها، « لب ها به صورت گرد (مانند شکوفه، شبیه حالت صدای «او») در می آید و صدای حرف همراه با ارتعاش تارهای صوتی از میان لب ها به صورت نازک و کم حجم خارج می شود؛ مانند:

«أَوَّل - أَوَّاب - قَوِيّ»

يَوْمٍ - بِحَوْلٍ - وَقُوَّتِهِ - هُوَ - وَلَمْ يَكُنْ - يُوسُوسُ

كُفُواً - وَحْدَهُ - وَلِيُّ اللَّهِ - وَالْحَمْدُ - وَالِدَيَّ - تَوَّابِينَ

تلفظ واو فارسی، باعث بطلان نماز نمی شود؛ چراکه شرعاً، تمیزدادن حرف «واو» از حرف «فاء» لازم است که با ارتعاش تارهای صوتی در تلفظ حرف واو، تمیز داده می شوند.

صفات عارضی (احکام) حروف، شاخه‌ای از علم قرائات و جزء اصول قرائی است؛ از این رو مباحث آن براساس نظریه هریک از قراء سبعة متفاوت است.^۱ باتوجه به قرائت مشهور و متداول از صد راسلام تا به امروز که منسوب به قرائت حفص از عاصم است، بیشتر علمای قرائت، قواعد تجوید را براساس همین قرائت نوشته‌اند؛ برای نمونه: محمد بن ابی بکر المرعشی در کتاب تجویدش «الجُهدُ المُقِل» می‌فرماید: در موارد اختلاف اصول قرائی، قواعد را براساس قرائت حفص از عاصم نوشته‌ام، برای اینکه در دیار ما (ترکیه) براساس همین قرائت است و قرآن‌ها براساس همین قرائت علامت گذاری شده است.

^۱ - ابراهیم پورفرزب، تهذیب القراءة، ص ۵۵-۵۷؛ در شرح قواعد و قراءات قراء سبعة.

اصول قرائی: احکام عام و کلی است که شکل و فرم قواعد به خود گرفته و قابل اِطراد و شمول نسبت به تمام کلمات قرآنی به حسب موارد خود می‌باشد؛ مانند: ادغام، هاء ضمیر، مد و قصر، همز (همزه)، احکام نون ساکنه و تنوین، فَتْح و اِمالة، وقف و ...

صفات عارضی (مُحَسِّنَه)

صفات عارضی (مُحَسِّنَه): حالت‌هایی‌اند که به سبب هم‌نشینی با حروف و حرکات بر حرف عارض می‌شوند و باعث روان و نیکو ادا شدن کلمات و آیات می‌شوند؛ از این رو صفات مُحَسِّنَه به حساب می‌آیند و به عنوان احکام حروف مطرح شده‌اند.

ثمره و فایده شناخت و رعایت احکام حروف

۱. حرف، آسان و روان تلفظ خواهد شد؛

۲. به تلاوت قرآن، زیبایی و جذابیت خاصی خواهد بخشید.

احکام حروف، شامل مباحث:

۳. احکام میم ساکن؛

۲. ادغام؛

۱. تفخیم و ترقیق؛

۵. مد و قصر.

۴. احکام نون ساکن و تنوین؛

مکمل شرعی (عایت صفات عارضی و مُحَسِّنَة)

همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید: رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنَة که بر اثر ترکیب حروف و کلمات، عارض و باعث فصیح و روان خواندن آیات می گردد، نیکو و مستحب می دانند، هرچند بعضی از فقهای بزرگوار در بعضی از صفات عارضی (مثل مد واجب و لازم و ادغام در یرملون) فتوا به وجوب یا احتیاط واجب داده اند. صاحب عروه رحمه الله (در مسئله ۵۳ احکام القراءه) می فرماید: آنچه علمای تجوید از مُحَسِّنَات (قرائت) مانند اِماله و اِشباع و تَفخیم و تَرْقیق، بلکه ادغام - به استثنای مواردی (از ادغام) که ذکر کردیم - بیان کرده اند، واجب نیست هرچند متابعت و پیروی از آنها (علمای تجوید) [در مُحَسِّنَات قرائت] بهتر است.

علامه مجلسی رحمه الله به نقل از پدر بزرگوارش (مجلسی اول) در بحار (ج ۸۵، ص ۸) می فرماید:

والتَّزْوِیْلُ الْمُسْتَحَبُّ: هُوَ اِدَاءُ الْحُرُوفِ بِصِفَاتِهَا الْمُحَسِّنَةِ لَهَا.

«تزیل مستحب: ادای حروف همراه با صفاتی است که آنها را نیکو می سازد.»

امکام شرعی تفخیم و ترقیق

تفخیم: دُرشت و پرجم اد اکردن صدای حرف است، به طوری که دهان از صدای آن پر شود.
هنگام تفخیم، صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و درشت و پرجم تلفظ می گردد.
ترقیق: نازک و کم حجم کردن صدای حرف است، به طوری که دهان از صدای آن پر نشود.
هنگام ترقیق، صدای حرف به طرف کام پایین کشیده شده و نازک و کم حجم تلفظ می گردد.
حروفی که همیشه تفخیم می شوند: حروف مُستعلیه «خَصَّ ضَغِطِ قِظ»؛

حروفی که همیشه ترقیق می شوند: حروف مُستَفِلّه به استثنای حرف راء و لام ﴿اَلله﴾؛
حروفی که گاهی تفخیم و گاهی ترقیق می شوند: الف مدی، حرف راء و لام ﴿اَلله﴾.

تفخیم و ترقیق از صفات عارضی و جزء مُحَسِّنَات قرائت است و جزء مُسْتَحَبَّات قرائت است.
صاحب عروۃ رحمة الله علیه در مسئله ۳ تکبیرة الاحرام آورده است: احتیاط تفخیم «لام» از ﴿اَلله﴾
و تفخیم «راء» از ﴿اَكْبَرُ﴾ است؛ ولی اقوی صحیح بودن با ترک آن است.

به طور کلی: فتحه و ضمه، عامل تفخیم و کسره، عامل ترقیق است (توضیح بیشتر در راهنمای تدریس آموزش قرائت)

امکام شرعی اقسام ادغام‌ها

صاحب عروه رحمة الله عليه (در مسئله ۴۸ احکام القرائه) می‌فرماید: «ادغام متمثلین (دو حرف مثل هم) در یک کلمه واجب است؛ مانند: مَدَّ و رَدَّ خواه در اصل ساکن باشد یا متحرک» و در مسئله ۵۲ می‌فرماید: «احتیاط در ادغام متمثلین (دو حرف مثل هم) در دو کلمه است؛ مانند: ﴿إِذْ هَبْ بَكِثَابِي﴾ و ﴿يُذِرْ كَكْمُ﴾ و لکن اقوی عدم وجوب است».

و در مسئله ۵۳: می‌فرماید: «هرچند پیروی کردن از آنها (از جمله اقسام ادغام‌ها) نیکوست».

امام خمینی رحمة الله عليه در حاشیه این مسئله در اطلاق آن اشکال می‌کند و می‌فرماید: «احتیاط در ترک ادغام کبیر در دو کلمه است» و شهید اول رحمة الله عليه: «ترک ادغام کبیر در نماز را از مستحبات قرائت (نماز) شمرده است».^۱

ادغام کبیر: ادغامی است که حرف مُدْغَم و مَدْغَم فیه هر دو متحرک باشند که نخست حرف مُدْغَم ساکن سپس عمل ادغام صورت می‌گیرد؛ مانند: قَالَ لَهُمْ = قَالَ لَهُمْ = قَالَ لَهُمْ

۱. شهید ثانی، الفوائد الملیة لشرح الرسالة النفلیة، ص ۱۹۳.

امکام نون ساکن و تنوین

نون ساکن و تنوین در مجاورت ۲۸ حرف، چهار حکم دارد:

۱. اظهار: نْ + حروف حلقی؛ «أ، ه، ع، ح، غ، خ»؛
۲. ادغام: نْ + یَرمَلون؛ ادغام (و بردو قسم است) } با غُنه: «ی، م، و، ن»
بدون غُنه: «ل، ر»
۳. قلب به میم: نْ + ب = م اخفای با غُنه؛
۴. اخفاء: نْ + مابقی حروف = اخفای با غُنه.

این احکام، جزء مُحَسِّنَات قرائت است؛ صاحب عروه رحمته الله در مسئله ۵۴: رعایت احکام نون ساکن و تنوین را شایسته و سزاوار می داند، باین حال فرموده اند: هیچ کدام از آنها واجب نیست. اما در مسئله ۴۹: در مورد ادغام نون ساکن و تنوین نزد حروف «یَرمَلون»، احتیاط کرده اند باین حال فرموده اند: اقوی عدم وجوب آن است. لکن از میان فقها و مراجع تقلید، آیت الله بهجت در مسئله ۸۲۷ رساله عملیه خود، فتوا به وجوب ادغام نزد حروف «یَرمَلون» داده است.

امکام نون ساکن و تنوین ا

«نون ساکن و تنوین» نزد «حروف حلقی»، «اظهار» و به صورت آشکار خوانده می شود؛ مانند:

أ = مِنْ أَحَدٍ - مُعْتَدٍ أَثِيمٍ - رَسُولُ آمِينَ ه = مِنْهُمْ - فَرِيقًا هَذِي - لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ
ع = أَنْعَمْتَ - قُرْءَانًا عَجَبًا - فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ح = وَانْحَرْ - عَلِيمًا حَكِيمًا - حَمِيمٌ حَمِيمًا
غ = يَكُنْ غَنِيًّا - إِلَهٍ غَيْرُهُ - مَلَائِكَةٌ غِلَظُ خ = مِنْ خَيْرٍ - عَلِيمًا خَبِيرًا - نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

«نون ساکن و تنوین» نزد شش حرف «یرملون»، «ادغام» می شود و بردو قسم است:

بدون غنة: ر = مَنْ رَحِمَ - بَشَرًا رَسُولًا - غَفُورٌ رَحِيمٌ ل = مِنْ لَدُنْ - رِزْقًا لَكُمْ - فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ
بَاغْتَهُ: ن = إِنْ نَشَأْ - وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ - حِطَّةٌ نَغْفِرُ م = مَنْ مَعِيَ - فَتَحًا مُبِينًا - قَوْمٌ مُنْكَرُونَ
و = مِنْ وَلِيٍّ - أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ - بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ي = مَنْ يَقُولُ - لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ - وَجْهٌ يَوْمَئِذٍ

«نون ساکن و تنوین» نزد حرف «باء»، «قلب به میم» و به صورت «میم اخفایی و با غنة»

خوانده می شود؛ مانند: أَنْبِيَاءَ - مِنْ بَعْدِ - بَصِيرٌ بِمَا - سَمِيعًا بَصِيرًا

احکام نون ساکن و تنوین ۲

« نون ساکن و تنوین »، نزد « پانزده حرف » (باقیمانده)، « اخفاء » و « با غُنه » همراه است. هنگام اخفاء، زبان به طرف مخرج حرف بعدی کشیده شده و هم‌زمان، غُنه نون به اندازه دو حرکت از مجرای بینی خارج و آن‌گاه حرف بعدی به سهولت تلفظ می‌شود.



وضعیت اخفای نون ساکن نزد ذال



وضعیت اخفای نون ساکن نزد قاف



وضعیت اظهار نون ساکن نزد همزه

(مَنْ غَاَمَنْ = اظهار) مِنْ قَبْلُ - مُنْذِرِينَ، مُنْتَظَرِينَ - أَنْصَابٌ، أَنْفُسَهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي - كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ - خَيْرٌ ثَوَابًا - إِنْ جَعَلَ - رُكْنٍ شَدِيدٍ - نَفْسًا زَكِيَّةً

اقسام مد

« مد » برد و قسم است: اصلی و فرعی.

مد اصلی: مدی است که قوام حروف مدی به آن باشد و بدون آن، حروف مدی تحقق پیدا نمی کند و بعد از آن، سبب مد (همزه و سکون) نیامده باشد؛ مانند: **أَوْزِينَا** بدون مد **أُذِنَ** و به آن، **مد ذاتی** (در مقابل مد عارضی) و **طبیعی** (در مقابل مد غیرطبیعی) نیز می گویند. رعایت **مد اصلی** (ذاتی): شرعاً واجب و عدم رعایت آن، موجب بطلان نماز است.

مد فرعی: مدی است که بعد از حروف مدی، سبب مد ^۱ آمده باشد، در این صورت حروف مدی بیش از مقدار طبیعی کشیده می شود و این مد اضافی، فرع بر اصل است و به آن **مد غیرطبیعی** (در مقابل مد طبیعی) و **مد عارضی** (در مقابل مد ذاتی) می گویند.

۱. سبب مد برد و قسم است: لفظی و معنوی. **سبب لفظی**، در لفظ ظاهر و مشهود است (همزه و سکون)؛ **سبب معنوی**، در لفظ ظاهر و مشهود نیست ولی از نظر معنا، موجب مد می گردد و هدف از آن، مبالغه در نفی است، مانند مد الف «لا» در آیه ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾.

مد در روایات اسلامی

- در روایات آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حروف مدی را با مد و کشش می خوانده است:
- از انس بن مالک از قرائت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد، در جواب گفت: «كَانَ مَدًّا»؛ سپس ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را قرائت و توضیح داد: مد می داد به ﴿اللَّهُ﴾ و مد می داد به ﴿الرَّحْمَنِ﴾ و مد می داد به ﴿الرَّحِيمِ﴾. (مربوط به مدطبیعی است)؛ صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۴
- ۱- ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: آن حضرت (به مناسبتی) در تلاوت سوره حمد، وقتی به ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ رسیدند، فرمودند: «مَدَّ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله صَوْتَهُ ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾»؛ یعنی: رسول خدا، الف مدی ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ را با مد و کشش بیشتری می خواندند. (مربوط به مد سکون لازم است) فروع کافی، ج ۶، ص ۲۲۳.
- ۲- ابن الجزری از ابن مسعود در قرائت آیه ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ﴾ از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت الف مدی ﴿لِلْفُقَرَاءِ﴾ را به مد خوانده است، پس شما هم آن را مد بدهید. (مربوط به مد متصل - واجب - است). (النشر، ج ۱، ص ۳۱۵)

مد فرعی در فتوای مراجع بزرگوار تقلید

بیشتر علما و مراجع تقلید معاصر در رابطه با مد فرعی، فتوا به احتیاط دادند: «باید مد واجب و لازم را رعایت کنند و چنانچه به دستوری که گفته شد، رفتار نکنند، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند» و آیت الله سیستانی و بهجت فتوا به وجوب مد لازم داده‌اند.^۱ صاحب عروه، (در مسئله ۴۴ احکام القراءة) می‌فرماید: «حداقل مقدار مد فرعی، دو الف و حد اکثر چهار الف است و بیشتر از آن، مشروط به عدم خروج کلمه از صدق آن کلمه است». شهید اول، مد منفصل را جزء مستحبات قرائت شمرده است و مقدار مد عارضی را توسط (چهار حرکت) اختیار کرده مطلقاً، یعنی خواه مد واجب و لازم باشد یا جایز، و شهید ثانی، در شرح آن فرموده: «بیشتر از حد توسط (چهار حرکت)، کلام را از حد فصاحت خارج می‌کند و کمتر از توسط، حروف مدی، روشن و رسا آدا نمی‌شوند، و اضافه می‌کند «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا»^۲

۱. توضیح المسائل سیزده نفر از مراجع تقلید (خوئی، گلپایگانی، صافی و نوری همدانی) مسئله ۱۰۰۳.

۲. همان، ص ۱۹۰.

۱. مدّ متصل (واجب) و منفصل (جایز)

« مد متصل »: حرف مد و همزه در یک کلمه است؛ مانند:

يَشَاءُ - سَيِّئَتْ - سُوءٌ - مَلَائِكَةٌ - تَفِيءٌ - تَشَاءُونَ

« مد منفصل »: حرف مد در آخر کلمه و همزه در ابتدای کلمه بعدی است؛ مانند:

رَبَّنَا إِنَّكَ وَرُسُلُكَ إِنَّ - قَالُوا إِنَّ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ - فِي أَهْلِ - قُورًا أَنْفُسَكُمْ

« مقدار کشش مد متصل » ۴ تا ۶ حرکت و « مد منفصل » ۲ تا ۵ حرکت است.

به « مد متصل »، « مد واجب » نیز می‌گویند، چون همه علمای قرائت و تجوید،

در مد و کشش اضافی آن، اتفاق نظر دارند و به « مد منفصل »، « مد جایز » نیز می‌گویند،

چون همه علمای قرائت و تجوید، در مد و کشش اضافی آن، اتفاق نظر ندارند.

یادسپاری: مراد از واجب، « وجوب صناعی » است؛ یعنی: نزد علمای قرائت تجوید،

واجب است، اما « وجوب شرعی » را باید به فتوای مرجع تقلید، مراجعه کرد.

مَدّ سکون لازم و عارض

« مد سکون لازم »: بعد از حروف مدی، حرف ساکن ثابت است؛ مانند: **عَالَمٌ**، و گاهی حرف ساکن در حرف بعدی ادغام می شود و به صورت حرف مشدد خوانده می شود؛ مانند: **وَلَا الضَّالِّينَ**.

« مد سکون عارض » بعد از حروف مدی، حرف ساکن بر اثر توقف، عارض می شود؛ مانند: **تُكَذِّبَانِ = تُكَذِّبَانِ ؛ نَسْتَعِينُ = نَسْتَعِينُ ؛ تَعْلَمُونَ = تَعْلَمُونَ**.
« مد سکون لازم » ۶ حرکت و « مد سکون عارض » ۲ تا ۶ حرکت است.

« مد لین »: به جای حروف مدی، حروف **لَیْنِه (وَوَیْ)** آمده و سبب آن سکون است؛
« مد لین » مانند مد لازم برد و قسم است: سبب لازم: مانند: **عَیْنٌ** در **كَهَيْعَصَ**
و سبب سکون عارض: مانند: **قُرَيْشٌ = قُرَيْشٌ ؛ خَوْفٌ = خَوْفٌ**

همزه وصل و همزه قطع

« همزه وصل »: الفی است که در ابتدای کلمه خوانده می شود؛ ولی در وسط کلام خوانده نمی شود؛ مانند: اَدْخُلُوا - يَا قَوْمِ ادْخُلُوا.

« همزه قطع »: الفی است که در ابتدا و وسط کلام خوانده می شود؛ مانند: اَرْسَلْنَا - لَقَدْ اَرْسَلْنَا.

صاحب عروه رحمة الله عليه فی احکام القراءه (مسئله ۳۹) می فرماید: «يَجِبُ حَذْفُ هَمْزَةِ الْوَصْلِ فِي الدَّجِ، مِثْلُ هَمْزَةِ ﴿اللَّهُ﴾ و ﴿الرَّحْمَنُ﴾ و ﴿الرَّحِيمِ﴾ و ﴿اهْدِنَا﴾ وَنَحْوِ ذَلِكَ، فَلَوْ اَثْبَتَهَا بَطَلَتْ وَكَذَا يَجِبُ اثْبَاتُ هَمْزَةِ الْقَطْعِ كَهَمْزَةِ ﴿اَنْعَمْتَ﴾، فَلَوْ حَذَفَهَا حِينَ الْوَصْلِ بَطَلَتْ».

در سوره حمد، الف ﴿الْحَمْدُ - الرَّحْمَنُ - اِهْدِنَا﴾ همزه وصل است، در ابتدای آیات خوانده می گردد؛ ولی اگر این آیات با آیه قبل خوانده شوند، دیگر این الف خوانده نمی گردد.

به این صورت: ﴿الرَّحِيمِ الْحَمْدُ﴾ - ﴿الْغَالَمِينَ الرَّحْمَنُ﴾ - ﴿نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا﴾ و همچنین الف ﴿إِيَّاكَ﴾ و ﴿اَنْعَمْتَ﴾، همزه قطع است و همیشه خوانده می شود به این صورت:

﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ - ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾

اهمیت وقف و ابتدا

حضرت علی علیه السلام در معنای آیه ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾ حفظ الوقوف را نیمی از ترتیل دانسته اند: **الَّتَرْتِیْلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَبَيَانُ الْحُرُوفِ**.
(تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵)

علمای قرائت، برای تحقق فرمایش آن حضرت «علم وقف و ابتدا» را پایه گذاری کردند. مباحث وقف و ابتدا، شامل دو مبحث کلی است: ۱. انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا؛ ۲. نحوه وقف کردن بر آخر کلمات و آغاز نمودن از ابتدای کلمات. لازمۀ انتخاب مناسب برای وقف، آشنایی با معانی آیات است و علمای قرائت برای آن تقسیم بندی هایی انجام داده اند و برای راهنمایی قاریان قرآن برای هر یک رمزی مشخص کرده اند که به «رموز وقف» مشهور شده اند و هیچ کدام حجت شرعی ندارند. به طور کلی: وقف واجب یا حرام شرعی نداریم؛ مگر اینکه قاری از روی عمد و اختیار، جایی توقف کند که معنای آیه را دگرگون سازد.

انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا

وقف در وسط کلمه جایز نیست و باعث بطلان قرائت نماز می گردد.
صاحب العروة الوثقی، در مبحث احکام القرائه (مسئله ۴۵) می فرماید: «اگر فاصله و جدایی بین حروف یک کلمه به وجود آید به طوری که از صدق آن کلمه خارج گردد، اختیاراً باشد یا اضطراراً، باعث بطلان نماز می گردد».
مگر اینکه نمازگزار برگردد و آن را اصلاح کند.

در قرائت قرآن باید دقت گردد تا کلمات شمرده و پشت سرهم خوانده شوند و بین اجزای کلمه مکثی نشود به طوری که یک کلمه را تبدیل به دو کلمه کند؛ برای نمونه؛
﴿اللَّهُ أَكْبَرُ﴾ به صورت «اللَّ - هَاكْبَر» یا ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ﴾ به صورت «قُلَّهُ - وَاللَّهُ»
به فتوای همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید، باعث بطلان نماز می گردد،^۱

۱. این مسئله اختصاص به قرآن ندارد، در فارسی: «همه از خانه ماد رفتند» ← «همه از خانه ما؛ دَ رفتند» یا «به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم» ← «به عزم تو؛ به سحر گفتم استخاره کنم».

وقف بر آخر آیات، سنت نبوی است

« وقف بر آخر آیات، سنت نبوی و سیره مسلمانان است »

صاحب عروه رحمه الله پنجم از مستحبات قرائت را «الْوَقْفُ عَلَى فَوَاصِلِ الْآيَاتِ» شمرده است و فقهای بزرگوار، دلیل آن را روایت ام‌السّلمه می‌دانند که فرموده: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام قرائت، آیات را جدا جدا می‌خواندند: **كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يَقْطَعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً.** (وسائل، ج ۴، ص ۸۵۶) و علمای قرائت، با استناد به این روایت، وقف بر آخر آیات را سنت نبوی معرفی کرده‌اند و بهترین وقف، وقف بر رؤوس آیات می‌دانند هرچند از نظر معنایی تعلق به آیه بعدی داشته باشد (ابن الجزری، النشر، ج ۱، ص ۲۲۶؛ دانی، المکتفی فی الوقف والابتداء، ص ۱۱۰) اضافه بر آن به استناد روایت امام صادق علیه السلام قرائت یک سوره به یک نفس کراهت دارد «يَكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فِي نَفْسٍ وَاحِدٍ». (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۶)

وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه «ا»

شهید اول رحمة الله علیه : وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه را جزء مستحبات شمرده است. و شهید ثانی رحمة الله علیه در شرح آن آورده: **وَلَوْ أَعْرَبَهُمَا فَعَلَ مَكْرُوهاً وَأَجْزَأً.** اگر (بر اثر) باهم خواندن) اِعراب آنها را بیاورد، کار مکروهی انجام داده؛ ولی کفایت می کند. (رساله نفلیه، ص ۱۴۳) صاحب جواهر رحمة الله علیه : دوم از مستحبات اذان و اقامه را وقف بر آخر آنها شمرده است (ج ۹، ص ۹۴) و دلیل آن را روایات امام باقر و صادق علیهما السلام می داند که به تعابیر مختلف نقل گردیده است: «الْأَذَانُ جَزْمٌ...»، «الَّتَكْبِيرُ جَزْمٌ فِي الْأَذَانِ»، «الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ مَجْزُومانِ» و در حدیثی «مَوْقُوفانِ» (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۳۹) و سپس به نقل از کتاب «تذکره» آن را اجماعی می داند و شهید ثانی در شرح لمعه می فرماید: «حتی اگر وقف نکند، در این صورت وصل به سکون سزاوارتر از آوردن اِعراب آخر فصول اذان و اقامه است». (چراکه در روایات به آن سفارش شده است)

وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه «۲»

روایت امام رضا علیه السلام در رابطه با علت تکرار فرازهای اذان نیز بهترین دلیل بر لزوم وقف بر آخر فصول اذان و لزوم جدا جدا تلفظ کردن آنهاست. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۴۶)

«همانا دستور داده شدند مردم به اذان، برای علت های فراوان، از جمله: یادآوری فراموش کار و آگاه ساختن بی خبران (از وقت اذان) برای کسی که وقت را نمی داند و مشغولیت هایی که او را از وقت نماز باز داشته است... همانا فصول اذان، دوتا دوتا، قرار داده شد برای اینکه تکرار باشد در گوش شنوندگان و تأکید بر آنها که اگر از اولی غفلت کرد، از دومی (به خاطر تکرار) بی خبر نشود... و تکیید را ابتدای اذان چهار بار تکرار شده برای اینکه شروع اذان است و با غفلت و عدم آگاهی (همراه) است و قبل از آن کلامی نیست تا شنوندگان را آگاه سازد (و به خود بیاورد)؛ از این رو دوتای اول برای آگاه (و آماده) ساختن آنهاست برای شنیدن آنچه که بعد از آن در اذان آمده است».

بنابراین اگر فصول اذان با هم گفته شود ﴿اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ﴾، فلسفه تکرار اذکار اذان (اگر از اولی غفلت کرد، از دومی بی خبر نشود) که امام رضا علیه السلام بیان فرمودند، محقق نمی شود.

وقف به حرکت و وصل به سکون

همه مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرموده‌اند که «وقف به حرکت و وصل به سکون» در قرائت نماز، انجام نگیرد.

هنگام وقف، هم‌زمان دو کار باید انجام گیرد:

۱- قطع صوت و فاصله انداختن بین دو کلمه (تا وقف تحقق پیدا کند)؛

۲- ساکن کردن حرف آخر کلمه (چرا که وقف بر متحرک جایز نیست).

اگر وقف بشود؛ ولی حرف آخر کلمه ساکن نگردد؛ وقف بر متحرک است و اگر حرف آخر کلمه ساکن شود ولی وقفی صورت نگیرد، وصل به سکون است، و هر دو در قرائت قرآن کریم جایز نیست.

(العروة الوثقی، فی احکام القراءة، مسئله ۳۸ و ۳۹؛ و توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۰۰۴).

در قرائت قرآن، وقف بر متحرک جایز نیست و در صورت متحرک بودن تغییراتی در آخر کلمه به وجود می‌آید که مهم‌ترین آنها، عبارت‌اند از: **إِسْکَان** و **إِبْدَال**.

وقف اسکان و ابدال

«اسکان»، یعنی «ساکن کردن»؛ اگر آخر کلمه، متحرک یا تنوین کسره و ضمه
 (اَ اِ اُ) باشد، هنگام وقف، «ساکن» می گردد؛ مانند: اَلْغَالِمِینَ = اَلْغَالِمِینُ
 الرَّحِیمِ = الرَّحِیمُ ؛ نَسْتَعِینُ = نَسْتَعِینُ ؛ عَظِیمِ = عَظِیمُ ؛ اَحَدُ = اَحَدُ
 «ابدال»، یعنی «تبدیل کردن»؛ اگر آخر کلمه، تالی گردد «ة، ة» باشد، هنگام وقف
 تبدیل به های ساکن «ه، ه» می شود؛ مانند:

اَلصَّلَوةُ = اَلصَّلَوةُ ؛ اَلْبَرِیَّةُ = اَلْبَرِیَّةُ ؛ اَللَّوَاغَةُ = اَللَّوَاغَةُ
 مُطَهَّرَةٌ = مُطَهَّرَةٌ ؛ مَرْفُوعَةٌ = مَرْفُوعَةٌ ؛ وَاحِدَةٌ = وَاحِدَةٌ

همچنین اگر آخر کلمه تنوین فتحه (اَ) باشد، هنگام وقف، تنوین حذف و «تبدیل به
 الف مدی (اِ)» می شود؛ مانند:

اَعْنَابًا = اَعْنَابًا ؛ هُدًی = هُدًی ؛ عِشَاءُ = عِشَاءُ

صحت قرائت، شرط امامت جماعت

« یکی از شرایط امامت جماعت، صحت قرائت قرآن و اذکار نماز است »

شیخ طوسی رحمة الله علیه بعد از بیان شرائط امامت جماعت (قرائت، فقه، شرف، هجرت و سن) می فرماید: « قرائت مقدم بر فقه است، در صورتی که در فقه مساوی باشند » سپس می فرماید: **فَإِنْ كَانَ أَحَدُهُمَا فَاقِيهَا لَا يَقْرَأُ وَالْآخَرُ قَارِئٌ لَا يَفْقَهُ، فَالْقَارِئُ أَوْلَى لِأَنَّ الْقِرَاءَةَ شَرْطٌ فِي صِحَّةِ صَلَاتِهِ وَالْفِقْهُ لَيْسَ بِشَرْطٍ^۱ .** « اگر یکی فقیه باشد، ولی نمی تواند قرائت (صحیح) کند و دیگری قاری (و قرائتش صحیح) باشد، ولی فقیه نیست، در این صورت قاری (سزاوارتر است. برای اینکه قرائت صحیح شرط صحت نماز است و فقه شرط صحت نماز نیست ».

مقام معظم رهبری رحمة الله علیه می فرماید: « اگر قرائت مکلف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است؛ ولی دیگران نمی توانند به وی اقتدا کنند^۲ . »

۱. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیة، ج ۱، ص ۱۵۷.

۲. رساله اجوبة الاستفتاءات، ص ۱۱۷، جواب مسئله ۵۸۷.

تقدم امام جماعت أفصح

صحت قرائت، حداقل شرایط برای امام جماعت است و این در صورتی است که امام جماعت افصح نباشد و **إِلَّا** به فرمایش شیخ طوسی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

«امامت جماعت، برای کسی که قرائتش، فصیح نیست، کراهت دارد».^۱

و روایت شیخ صدوق رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام مؤید همین مطلب است که از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نقل می فرماید: «يَوْمُكُمْ أَقْرَأُكُمْ» و در حدیثی دیگر «يَوْمُكُمْ أَفْصَحُكُمْ».^۲ «امامت کند شما را کسی که قرائتش بهتر و فصیح تر است»؛ از این رو بسیار به جاست که ائمه جماعات با مستحبات قرائت؛ به ویژه بالحن عربی حرکات و حروف مدی آشنا شوند؛ چرا که سفارش پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است: «أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِ الْعَرَبِ وَأَصْوَتِهَا».^۳

۱. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۷.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴.

استفاده از نوار برای آموزش قرائت

بهترین راه برای آموزش و یادگیری قرائت صحیح (و حفظ) قرآن کریم، استفاده از نوارهای تحقیق آموزشی قرائت قرآن است، برای این منظور، سوره کوتاهی را انتخاب و مراحل زیر را به ترتیب انجام دهید.

۱. پخش آیات و گوش دادن همزمان با نگاه کردن به خط قرآن کریم؛
۲. پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان با نوار با صدای آهسته؛
۳. پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان به صورت همخوانی با نوار؛
۴. همانند مرحله اول، به آیات پخش شده گوش می دهیم، هنگام وقف، ایست نوار را می زنیم و مانند نوار می خوانیم، سپس به این نحو ادامه می دهیم؛
۵. برعکس مرحله چهارم، اول می خوانیم و سپس با نوار مقایسه می کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

راهنمای آموزش صحیح خوانی نماز

اولین شرط معلمی، تسلط بر محتوای درس است؛ از این رو نخست به بررسی مباحث صحیح خوانی نماز (به صورت فشرده) پرداختیم.

صحیح خوانی نماز، یک هدف کلی است و همه مطالب آن را در یک جلسه نمی‌توان آموزش داد و آنها را باید به اهداف جزئی تقسیم کرد و تقدم و تأخر مطالب را در نظر گرفت که آیا ارتباط میان آنها تسلسلی و متوالی است یا هم‌تراز و موازی؟ و کدام مرحله پیش‌نیاز مرحله بعدی است؟

هدف از آموزش صحیح خوانی نماز، آشنایی با تلفظ صحیح اذکار نماز است که مجموعاً بیست جمله است که همه (باسواد و بی‌سواد) باید یاد بگیرند؛ تقدم و تأخر احکام شرعی صحیح خوانی نماز، بستگی به آشنایی قبلی آنها با اذکار نماز (همچنین باسواد و بی‌سواد بودن و سن افراد نماز آموزان) دارد و این معلم است که براساس ارزشیابی تشخیصی و زمانی که در اختیار دارد، مطالب را انتخاب می‌کند که آیا به آموزش واجبات، اکتفا کند یا به آموزش مستحبات نیز بپردازد.

اصول اولیه آموزش

یکی از اصول اولیه آموزش، بیان ضرورت یادگیری موضوع درس و نقش آن در زندگی افراد است؛ از این رو معلمین ارجمند نخست باید نماز آموزان را با ضرورت آشنایی با نماز و نقش آن در زندگی آنها آشنا سازند تا نماز آموزان با آگاهی لازم در جلسه حاضر شده و به یادگیری صحیح خوانی نماز بپردازند.

نکته بعدی: انتخاب زمان آموزش است که بستگی به سطح دانش نماز آموزان و میزان آشنایی قبلی آنها با اذکار نماز دارد و اینکه می خواهید به آموزش واجبات قرائت نماز بپردازید یا مستحبات قرائت نماز را نیز می خواهید آموزش دهید.

نکته بعدی: استفاده از وسایل کمک آموزش (تابلو، پرده نگار {پاورپوینت} و...) است که نقش مؤثری در آموزش دارد؛ از این رو مباحث صحیح خوانی نماز را به صورت پرده نگار تهیه و در کانال آموزش قرآن قرار داده ایم تا همه بتوانند استفاده کنند.

بدیهی است که هر معلمی روش خاص خود را در آموزش دارد، آنچه مهم است رعایت اصول آموزش و کلاس داری است که به صورت فشرده متذکر می شویم.

برای آشنایی بیشتر به کتاب «راهنمای آموزش قرائت قرآن کریم» مراجعه فرمایید.

روش تدریس صداهای کوتاه و کشیده

هدف: تمیزدادن صداهای کوتاه و کشیده در قرائت قرآن و اذکار نماز است.

مراحل تدریس:

۱. بیان حکم شرعی لزوم صحیح خوانی قرائت قرآن و اذکار نماز از حیث حرکات و تمیزدادن بین صداهای کوتاه و کشیده.

۲. معرفی صداهای کوتاه و کشیده و بیان نقش آنها در صحیح خوانی کلمات با استفاده از کلمات فارسی و اذکار نماز.

۳. تمرین روی کلمات اذکار نماز به صورت دسته جمعی.

۴. گوش دادن و رفع اشکال قرائت نماز بعضی از نمازآموزان.

یادسپاری: مشکل بیشتر نمازگزاران، رعایت نکردن زمان تلفظ صداهای کوتاه و کشیده است، به طوری که زمان تلفظ صداهای کشیده آنها، کمتر از دو برابر صداهای کوتاه است که کراهت دارد. همچنین صدای کوتاه حروف متحرک قبل از حرف آخر کلمات هنگام وقف است که با کشش بیشتر می خوانند (که از نظر شرعی کراهت دارد)؛ از این رو معلمین ارجمند از همان ابتدا قرآن آموزان را باید به تلفظ صحیح صداهای حرکات و کشیده، عادت دهند و همچنین استحباب رعایت لحن عربی صداهای کوتاه و کشیده است که در صورت آمادگی، آموزش دهند.

هدف: شنیده شدن صدای حروف ساکن به صورت آشکار در اذکار نماز است.

مراحل تدریس:

۱. بیان حکم شرعی لزوم شنیده شدن آشکار صدای حروف اذکار نماز به ویژه حروف ساکن و تأکید بیشتر روی حروف ساکن آخر کلمات هنگام وقف.

۲. معرفی بعضی از حروفی که نیاز به دقت بیشتری دارند (مانند حروف هاء، راء، میم و نون) با استفاده از کلمات فارسی و اذکار نماز.

۳. معرفی حروف «قُطْبُ جَد» که هنگام سکون، صدای حرف باید آزاد و شنیده شود.

۴. تمرین روی کلمات اذکار نماز به صورت دسته جمعی.

۵. گوش دادن و رفع اشکال قرائت نماز بعضی از نمازآموزان.

یادسپاری: مشکل بیشتر نمازگزاران، عدم تلفظ صحیح بعضی از حروف ساکن (به ویژه در آخر کلمات) است به طوری که صدای حرف، آشکار شنیده نمی شود که شرعاً باعث بطلان نماز است؛ از این رو معلمین ارجمند از همان ابتدای آموزش، نمازآموزان را باید به تلفظ صحیح عادت دهند. همچنین رعایت زمان تلفظ حروف ساکن سایشی که در صورت آمادگی، آموزش دهند.

روش تدریس حروف مشدد

هدف: تلفظ صحیح حروف مشدد به صورت دو حرف اما بدون فاصله و جدایی است.
مراحل تدریس:

۱. بیان حکم شرعی لزوم شنیده شدن حرف ساکن در حرف مشدد؛ اما با پیوند محکم با حرف متحرک (بدون فاصله و جدایی).
 ۲. تعریف صحیح تشدید و بیان تفاوت آن با حالت عدم تشدید با ذکر مثال.
 ۳. تفاوت در تلفظ حروف مشدد سایشی و انفجاری با ذکر مثال.
 ۴. دقت در تلفظ میم و نون مشدد که غنه ذاتی آنها حتماً آورده (و دو حرف شنیده) شود.
 ۵. تمرین روی کلمات اذکار نماز به صورت دسته جمعی.
 ۶. گوش دادن و رفع اشکال قرائت نماز نماز آموزان.
- یادسپاری:** مشکل بیشتر نمازگزاران، عدم تلفظ صحیح بعضی از حروف مشدد است به طوری که صدای حرف ساکن، شنیده نمی شود که از نظر شرعی باعث بطلان نماز است؛ از این رو معلمین ارجمند از همان ابتدای آموزش، نماز آموزان را باید به تلفظ صحیح حروف مشدد، عادت دهند. همچنین رعایت زمان تلفظ حروف مشدد سایشی و غنه عارضی دو حرف میم و نون مشدد است که در صورت آمادگی، آموزش دهند.

روش تدریس تلفظ صحیح حروف

هدف: تلفظ صحیح حروف به صورت عربی و تمایز حروف هم مخرج.

مراحل تدریس:

۱. بیان حکم شرعی لزوم تلفظ صحیح حروف به صورت عربی زمان پیامبر صلی الله علیه و آله.
 ۲. بیان اهمیت تلفظ صحیح حروف و نقش آنها در صحیح خوانی کلمات با استفاده از کلمات فارسی و اذکار نماز.
 ۳. بیان وجوه اشتراک و افتراق حروف مشابه با استفاده از تصاویر دستگاه تکلم.
 ۴. تمرین روی کلمات اذکار نماز به صورت دسته جمعی.
 ۶. گوش دادن و رفع اشکال قرائت نماز آموزان.
- یادسپاری:** مشکل بیشتر نمازگزاران، عدم تلفظ صحیح بعضی از حروف و تمیز ندادن حروف مشابه است که از نظر شرعی باعث بطلان نماز است؛ از این رو معلمین ارجمند، قرآن آموزان را باید به تلفظ صحیح عادت دهند.
- همچنین در صورت آمادگی، علم تجوید و هدف از تأسیس آن را توضیح دهند و به معرفی مخارج و صفات ذاتی و عارضی حروف بپردازند.
- مشروح آن در کتاب «راهنمای تدریس قرائت قرآن کریم» آمده است، مراجعه فرمایید.

روش تدریس مستحبات قرائت

زمان آموزش مستحبات قرائت نماز، بعد از اطمینان از یادگیری واجبات قرائت نماز است و این بستگی به علاقه افراد و زمان مناسب برای آموزش آنها دارد.

معلمین ارجمند با توجه به زمانی که در اختیار دارند، به اولویت بندی آنها می پردازند، اولویت به آموزش مستحباتی است که فقها و مراجع بزرگوار تقلید بر رعایت آنها در قرائت نماز، تأکید بیشتری دارند؛ مانند مد واجب و لازم، ادغام در «یرملون» (که بعضی فتوا به وجوب یا احتیاط واجب داده اند) و وقف بر آخر آیات و فصول اذان و اقامه؛ سپس نوبت به آموزش مباحث مکروهات است.

قبل از آموزش مباحث مستحبات و مکروهات قرائت نماز، نخست باید آنها را با تقسیم بندی احکام شرعی به واجبات، مستحبات، مکروهات و محرمات (و همچنین تفاوت واجب شرعی با واجب صناعی)، آشنا ساخت.

برای آشنایی بیشتر با این مباحث، به کتاب «راهنمای تدریس آموزش قرائت قرآن» مراجعه فرمایید.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾

«هنگامی که قرآن می خوانی از شر شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر»
«استعاذه» در لغت به معنای: «پناه بردن» است و مراد از آن، گفتن جمله «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» است.

فقهای بزرگوار، گفتن «استعاذه» را (پیش از قرائت قرآن و قبل از سوره حمد در رکعت اول نماز) «مستحب می دانند» و در رابطه با نحوه گفتن «استعاذه» جملات «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ؛ «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» نقل نموده اند. (عروة الوثقی، فی مستحبات القراءة)

در روایات سفارش شده که بعد از خواندن بعضی از سوره‌ها، اذکاری متناسب با مضمون همان سوره گفته شود؛ از همین رو مراجع بزرگوار تقلید، گفتن آنها را جزء «مستحبات قرائت» شمرده‌اند، از جمله «بعد از سوره حمد»، گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «بعد از سوره توحید» گفتن «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي».

(العروة الوثقی، مستحبات قرائت)

برای اطلاع بیشتر، به کتاب «آداب و احکام تلاوت قرآن کریم به ضمیمه ذکرهای تلاوت» نوشته مؤلف، مراجعه فرمایید.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن جزری؛ النشر فی القراءات العشر؛ کتابفروشی جعفری؛ تبریز.
- ۳- ابن غانم المقدسی؛ علی بن محمد؛ بغیة المرتاد لتصحيح الضاد؛ نسخه خطی.
- ۴- الحصری، محمود خلیل؛ احکام قراءۃ القرآن الکریم؛ دارالبشائر الاسلامیة، ۱۴۱۷ق.
- ۵- حرّعاملی؛ محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعة؛ داراحیاء تراث العربی؛ ۱۳۹۱ق.
- ۶- شهید ثانی؛ زین الدین؛ الفوائد الملیّة لشرح الرسالة النفلیة، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ۷- صدر؛ سید حسن؛ تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، علمی؛ ۱۳۲۸؛ تهران.
- ۸- صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه قمی)، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق، تهران.
- ۹- طباطبائی؛ سید محمد کاظم؛ العروة الوثقی؛ المكتبة العلمیة الاسلامیه؛ تهران.
- ۱۰- طوسی؛ محمد بن الحسن؛ المبسوط فی فقه الامامیة، مطبعة الحیدریّه، تهران، ۱۳۸۷ هـ.ق.
- ۱۱- کلینی؛ محمد بن یعقوب؛ اصول و فروع کافی؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳؛ تهران.
- ۱۲- مجلسی؛ محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء؛ ۱۴۰۳ هـ.ق؛ بیروت.
- ۱۳- مکی بن ابی طالب؛ الرعاية فی تجويد القراءۃ، مكتبة اولاد الشيخ للتراث. و منابع دیگر

شکرانه

این نوشته، فشرده‌ای از مباحث کتاب «تجوید فاتحة الكتاب» همراه با راهنمای تدریس است، برای تهیه آن (همچنین سایر تألیفات) به آدرسی که در پایین صفحه آمده، مراجعه کنید. خداوند را شاکرم که به این طلبه علوم دینی، توفیق داد تا در زمرة معلمین قرآن کریم قرار گیرم و چند صفحه‌ای در موضوعات مختلف قرآنی به یادگار بگذارم.

بعضی از تألیفات:

۱. آموزش قرائت قرآن کریم (حلیة صحة القراءة)، کتاب درسی حوزه‌های علمیه خواهران و برادران.
۲. راهنمای تدریس آموزش قرائت قرآن کریم، کتاب استدلالی آموزش قرائت برای معلمین قرآن.
۳. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم به ضمیمه ذکرهای تلاوت.
۴. روش‌های حفظ قرآن کریم.
۵. آشنایی با ترجمه و مفاهیم با رویکرد اصول عقائد و اخلاق و...

سایت اندیشوران حوزه علمیه قم، علی حبیبی احمدآبادی

کانال مادر سرروش: @habibi.tajvid و درایتا @habibi_tajvid

۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۷. مصادف با سالروز ولادت پیامبر اسلام ﷺ و امام صادق علیه السلام (۱۹ شهریور ۱۴۰۶)